

# زنان پیشقدم اند سیاست‌ها عقب مانده

حافظتگر و عضو انجمن آوای بوم در گفت‌وگو با «پیام ما»  
بحران‌های محیط‌زیستی را نتیجه گسست رابطه انسان با طبیعت می‌داند

۳

# روزنامه سایه‌ما

۱ سال بیست و یکم | شماره پیاپی ۳۳۱۳ | چهارشنبه ۱۰ دی ماه ۱۴۰۴ | قیمت ۵ هزار تومان |

www.payama.ir

## ایران تعطیل شد

تعطیلی گسترده پایتخت  
و ۲۲ استان به دلیل برودت هوا

۲

بحران محیط‌زیست و فشار بر منابع  
سرمایه‌گذاری پایدار را به شرط بقای  
گردشگری ایران تبدیل کرده است

## گردشگری ایران از بحران اقلیم عبور می‌کند؟

کشور ما با بحران‌های متعددی روبه‌روست. کاهش شدید منابع آب، خشکیدن تالاب‌ها، فرونشست زمین و آلودگی هوا تهدیدهایی هستند که نه تنها کیفیت زندگی مردم را تحت تأثیر قرار می‌دهند، بلکه بر جذابیت گردشگری کشور نیز اثرگذارند. از دست دادن رودخانه‌ها و دریاچه‌ها به معنای از دست رفتن جاذبه‌های طبیعی و کاهش گردشگران است.

۴

## همه چیز روی دوش کارآموزان بود

کارآموزان یک برزند از کار رسمی، بدون  
دستمزد و ترس از پیگیری حقوقی می‌گویند

۵

بررسی «عرصه مقاومت خلاقانه  
در زیست شهری» در یک نشست

## بازپس‌گیری شهر با هنر غیررسمی

پایان جنبش‌های انقلابی و دانشجویی باعث شد  
هنر از تزیینی و لبه خلاقانه خود فاصله بگیرد و  
مسیر سرشارش را طی کند. بحران کنونی هنر معاصر  
پرسشی اساسی مطرح می‌کند: چگونه می‌توان  
خلاقیت سیاسی را دوباره به عرصه شهری بازگرداند؟

۸



چرا توسعه در کشور ما اغلب برعکس عمل می‌کند؟

# عقلانیت شکست خورده در ایران

Anadolu Agency

یادداشت |

## اقتصاد تاب‌آور محلی

اقتصاد محلی یا روستامحور به معنای توسعه اقتصادی  
و اجتماعی مناطق کوچک محلی یا روستاها با استفاده از  
منابع محلی و توانمندی‌های جوامع کوچک است.

این نوع اقتصاد برپایه کشاورزی، صنایع دستی،  
گردشگری روستایی و سایر فعالیت‌های محلی بنا  
شده است و هدف آن بهبود کیفیت زندگی و کاهش  
مهاجرت به شهرها است. اقتصاد تاب‌آور محلی نیز به  
ظرفیت یک جامعه در مقیاس شهر کوچک، شهرستان  
یا روستا برای پیش‌بینی، جذب، تطبیق و تحول در  
برابر شوک‌های اقتصادی، زیست‌محیطی یا اجتماعی،  
بدون از دست دادن عملکردهای اساسی خود، اشاره  
دارد.

تاب‌آوری اقتصاد محلی یعنی جوامع کوچک قادر باشند  
در برابر شوک‌هایی مانند خشکسالی، سیل، زلزله،  
تحریم، رکود و مواردی از این دست مقاومت کنند و سریع  
بهبود یابند. این سطح از تاب‌آوری در سایه عواملی  
مانند تنوع محصولات تولیدی، اتکا به منابع داخلی، عدم

مهاجرت نیروی کار و تمرکز بر توانمندی‌های بومی  
قابل دستیابی است. منابع انرژی، قابلیت‌های  
گردشگری، نیروی کار جوان و تحصیل‌کرده، محصولات  
بومی و برند، مانند فرش و زعفران، نمونه‌هایی از  
پتانسیل بالقوه شکل‌دهی به این سطح از تاب‌آوری  
اقتصادی در سطح محلی است.

در سطح بین‌المللی پس از بحران مالی ۲۰۰۸ و  
شوکه‌های آب‌وهوایی در دهه ۲۰۱۰ (مانند طوفان کانرینا)  
باعث شد تمرکز از تاب‌آوری زیرساختی به سمت تاب‌آوری  
اقتصادی گسترش یابد. اقتصاد تاب‌آور به دنبال انعطاف  
و قابلیت تطبیق در یک محیط ناپایدار و پرریسک است.  
اقتصاد تاب‌آور محلی بر کیفیت، توزیع و پایداری رشد در  
شرایط بحرانی تأکید می‌کند و در پی کاهش  
آسیب‌پذیری، حفظ اشتغال در بحران، تثبیت جامعه و  
جلوگیری از مهاجرت اجباری و فروپاشی اجتماعی،  
استفاده حداکثری از سرمایه‌های طبیعی، فرهنگی و  
انسانی منطقه است. برای مثال منطقه‌ای که تنها به  
کشت یک محصول صادراتی مثلاً پسته وابسته است،  
رشد اقتصادی دارد اما تاب‌آور نیست و با یک آفت یا  
تحریم نابود می‌شود. اما منطقه‌ای که ترکیبی از کشاورزی  
پایدار گردشگری طبیعت‌محور و صنایع دستی دارد، به  
سطح مناسبی از تاب‌آوری دست یافته است.

انحاز سیاست‌های منطبق با اقتصاد محلی و اقتصاد  
تاب‌آور محلی؛ هم پاسخ به عدالت سرزمینی است، هم  
به اقتصاد مقاومتی عنینت می‌بخشد و هم از فشار بر  
اکوسیستم می‌کاهد.

این الگو قادر به بهبود وضعیت اقتصادی کشور است،  
اما نباید فراموش کرد نیازمند یک اراده سیاسی فرابخشی  
است که از شعار عبور کند و با واگذاری واقعی اختیار و  
منابع به مردم محلی، آنان را به بازیگران اصلی سرنوشت  
اقتصادی خود تبدیل کند.



محمد مهدی اشرفیان |  
اپژوهشگر برنامه‌ریزی توسعه |

توسعه پایدار در سطح نهادی نیازمند حکمرانی پایدار و  
در سطح بازار نیازمند سازمان پایدار است. حکمرانی  
شبکه‌ای، نوآوری در خدمات عمومی و فرهنگ ملی و  
سازمانی پایدار نیز از عوامل تسریع‌کننده این روند  
محسوب می‌شوند. در این حالت است که نهادهای  
عمومی در مسیر پایدارسازی گام برمی‌دارند و چشم‌انداز  
مالی سبز و نهادهای اجتماعی مسئول محور؛ رهاوردی  
می‌شوند در مسیر دستیابی به توسعه‌ای مشارکت‌پذیر  
و پایدار که نتیجه آن پاسخگویی نهادها (سازمانی،  
دولتی، اجتماعی، اقتصادی) در قبال جامعه و  
محیط‌زیست است.

طی این مسیر و گذر از وضع موجود، البته نیازمند  
اقتصادی پویا، شفاف و تاب‌آور است تا قادر به حل  
ملاحظات ملی از توسعه متوازن منطقه‌ای و عدالت  
سرزمینی تا چالش‌های عمیق زیست‌محیطی (آب، خاک،  
هوا) و مشکلات اقتصادی باشیم. اقتصاد شفاف، پویا و  
تاب‌آور در گستره مفهومی الگوهایی نظیر اقتصاد  
مقاومتی، حکمرانی اقتصادی و مشارکت عمومی را در بر  
می‌گیرد و در سطح کارکردی موجب رونق و شکوفایی  
محلی و منطقه‌ای می‌شود.

هر برنامه توسعه‌محوری چه در سطح ملی و چه در سطح  
منطقه‌ای باید بر بستری مناسب از منابع اقتصادی  
پایه‌ریزی شود، در غیر این صورت شاهد هدررفت منابع  
و شکست برنامه‌های توسعه خواهیم بود. شکست در  
طرح‌هایی مانند حمایت از مشاغل خانگی یا طرح‌های  
زودبازده اقتصادی نمونه‌ای از این تجارب شکست‌خورده  
در کشور است. به همین دلیل است که توسعه پایدار  
مبتنی بر اقتصاد شفاف و تاب‌آور باشد، تا هم دوام یابد و  
هم مؤثر واقع شود. البته این نوع از اقتصاد نیز در گرو  
گذر از اقتصاد شفاف و تاب‌آور ملی به سمت اقتصاد  
شفاف و تاب‌آور محلی است. در گذشته مرکزیت  
سرزمینی محور توسعه و شکوفایی بود و پس از آن آثار  
توسعه در سطح پیرامون نمایان می‌شد، لیکن در  
الگوهای نوین، محوریت برنامه‌های توسعه بر مناطق  
محلی و روستایی است و پس از آن است که هم‌افزایی  
شکل گرفته، مرکزیت سرزمینی را نیز بهره‌مند می‌سازد.  
بحران‌های متعدد کشور در کنار ناکارآمدی راهکارهای  
متمرکز باعث اهمیت بخشی اقتصاد منطقه‌ای و به تبع  
آن تاب‌آوری اقتصادی محلی شده است. اقتصاد محلی  
و تاب‌آوری اقتصاد محلی Resilient Economy مرتبط با  
ملاحظات زیست‌محیطی، عدالت اجتماعی و شرایط  
اقتصادی کنونی ایران است.

اخبار |

عراقچی:

## ایران برای توافق برپایه احترام و منفعت متقابل آماده است

او افزود: «این واقعیت راه را برای روابطی کاملاً تازه باز می‌کند  
که شاید منطقه ما را دگرگون کند». عراقچی در ادامه نوشته  
است: «من آگاه شده‌ام که میان دوستان مشترک ایران و  
آمریکا، آمادگی بی‌سابقه‌ای برای تسهیل گفت‌وگو و تضمین  
اجرای کامل و قابل راستی‌آزمایی هر نتیجه مذاکره شده  
شکل گرفته است. این چشم‌انداز امیدوارکننده است. با  
وجود حمله اسرائیل به دیپلماسی در میانه مذاکرات  
هسته‌ای ایران و آمریکا، ایران همچنان آماده توافق است که  
بر احترام متقابل و منفعت متقابل بنا شود.»

وزیر امور خارجه تصریح کرد: «این هدف زمانی محقق  
می‌شود که آمریکا بپذیرد مذاکره با دیکنه کردن شروط تسلیم  
متفاوت است. مردم ما خوب می‌دانند که رئیس‌جمهور  
ترامپ نخستین رئیس‌جمهور آمریکا نیست که به آنها حمله  
کرده و تجربه‌های تلخی از تعامل با آمریکا را دیده‌اند. اگر  
رئیس‌جمهور ترامپ می‌خواهد اعتماد آنان را به دست آورد و

وزیر امور خارجه ایران با تأکید بر اینکه تهران از مذاکرات  
جدی برای دستیابی به یک توافق منصفانه هراسی ندارد،  
گفت ایران همچنان برای توافقی آماده است که بر احترام  
متقابل و منفعت متقابل بنا شود و رفع ملموس و قابل  
راستی‌آزمایی تحریم‌ها را در بر بگیرد.  
«سید عباس عراقچی» در یادداشتی برای گاردین نوشته  
است: «درحالی‌که «بنیامین نتانیاهو» اوایل امسال به رؤیای  
خود برای کشاندن آمریکا به یک تقابل نظامی با ایران رسید،  
این اقدام برای اسرائیل هزینه‌ای سنگین و بی‌سابقه داشت.  
دیدن نتانیاهو که به دونالد ترامپ التماس می‌کند تا او را از  
باتلاق بیرون بکشد، باعث شده است شمار رویه‌افزایی از  
آمریکایی‌ها آشکارا اذعان کنند اسرائیل نه یک متحد، بلکه  
یک بار اضافی است. در ماه سپتامبر متحدان عرب آمریکا  
نیز به همان نتیجه‌ای رسیدند که ما ایرانیان همواره بر آن  
تأکید کرده‌ایم: بی‌پروایی اسرائیل تهدیدی برای همه است.»

## ((آگهی مناقصه))



شرکت «گروه صنعتی بارز (سهامی عام)» در نظر دارد خدمات موضوع مناقصه را از طریق مناقصه عمومی یک مرحله‌ای با شرایط ذیل به پیمانکار واجد شرایط در شهر بندرعباس واگذار نماید.

**موضوع مناقصه:** حمل محموله‌های مواد اولیه از شهر بندرعباس، اسکله ی شهید رجایی، به مجتمع لاستیک بارز کرمان واقع در کرمان، کیلومتر ۲۵ جاده جویبار و مجتمع لاستیک بارز کردستان واقع در توبان همدان - سنندج، شهرک صنعتی دهگلان توسط شرکت‌ها و مؤسسات حمل و نقل واجدالشرایط.

**مناقصه گزار (کارفرما):** گروه صنعتی بارز (سهامی عام) به نشانی استان تهران، خیابان سهروردی شمالی، خیابان هویزه غربی، پلاک ۱۰۳. ضمناً شرکت بارز ترابری کرمان (سهامی خاص) با شماره ثبت ۶۱۴۴ و شناسه ملی ۱۰۲۶۱۵۳۰۱۰۶۳، از شرکت‌های زیر مجموعه گروه صنعتی بارز به عنوان ناظر کارفرما در قرارداد فی‌مابین کارفرما و برنده‌ی مناقصه خواهد بود و کلیه‌ی پرداختی‌های کارفرما به پیمانکار پس از موافقت کتبی شرکت مذکور امکان پذیر خواهد بود.

متقاضیان می‌توانند از تاریخ درج آگهی به مدت هفت روز کاری جهت دریافت و تحویل فرم‌های مربوطه به آدرس‌های ذیل مراجعه نمایند. ضمناً شماره همراه ۰۹۱۳۳۴۰۴۸۵۵ جهت کسب اطلاعات بیشتر در دسترس می‌باشد.

آدرس‌ها:

۱- تهران خیابان سهروردی شمالی، هویزه غربی، پلاک ۱۰۳ دفتر گروه صنعتی بارز - دبیرخانه - سرکار خانم علی اصغر

۲- کرمان - کیلومتر ۲۵ جاده جویبار - مجتمع لاستیک بارز کرمان - دفتر حراست مجتمع بارز کرمان - جناب آقای حسنی

ضمناً آدرس‌های تحویل پاکت به ترتیب ذیل می‌باشند:

۱- تهران خیابان سهروردی شمالی، هویزه غربی، پلاک ۱۰۳ ساختمان شماره ۲ گروه صنعتی بارز - جناب آقای بیرانوند

۲- کرمان - کیلومتر ۲۵ جاده جویبار - مجتمع لاستیک بارز کرمان - دفتر حراست مجتمع بارز کرمان - جناب آقای حسنی

گروه صنعتی بارز



ابراهیم آقا

**تعطیلی گسترده پایتخت و ۲۲ استان کشور به دلیل برودت هوا**

## ایران تعطیل شد

بسیاری از استان‌های کشور با ورود موج دیگری از سرما تعطیل شدند، کارشناسان انرژی علت این تصمیم را ناترازی ساختاری گاز و برق می‌دانند و هشدار می‌دهند کسری ۳۰۰ میلیون مترمکعبی گاز در اوج سرما علاوه‌بر افزایش بار شبکه ممکن است به افزایش روزهای تعطیلی منجر شود. هم‌زمانی این تصمیم با تجمع‌های اعتراضی به وضعیت اقتصادی موجب برداشت‌های سیاسی از این تصمیم دولت شده است.

جولگیریی از قطعی برق و افت فشار گاز و رعایت رفاه و

آسایش هم‌وطنان با مصرف بهینه انرژی حداکثر همراهی و صرفه‌جویی لازم را به‌عمل آورند.»

یا سبر مختاری ا

روزنامه‌نگار ا



این نخستین بار نیست که تهران و سایر شهرهای کشور به‌دلیل برودت هوا و مدیریت انرژی تعطیل می‌شود. بسیاری از کارشناسان کمبود گاز شهری و تداوم ناترازی در برق را دلیل اصلی این تعطیلی‌ها می‌دانند. «علیرضا کفش‌کنان»، کارشناس حوزه انرژی، در گفت‌وگو با «پیام ما» دلیل تصمیم به تعطیلی برای مدیریت مصرف انرژی را ناشی از ناترازی ساختاری انرژی می‌داند و می‌گوید: «ایران سالانه با میزان قابل‌توجهی ناترازی انرژی در بخش‌های گاز و برق مواجه است. در بخش گاز ظرفیت تزریق سالانه به شبکه حدود ۱۰۰ میلیارد مترمکعب برآورد می‌شود، درحالی‌که براساس گزارش‌های رسمی، کمبود گاز در سال‌های اخیر به حدود ۶۴ تا ۶۵ میلیارد مترمکعب رسیده و این به‌معنای کسری نزدیک به ۲۵ درصدی گاز در مقیاس سالانه است.»

کفش‌کنان با اشاره به تشدید مشکل در فصل سرما بیان می‌کند: «حداکثر گاز تزریقی به شبکه کشور، روزانه حدود ۸۵۰ میلیون مترمکعب است، درحالی‌که نیاز گاز در اوج سرما زمستان به بیش از یک میلیارد تا یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون مترمکعب در روز می‌رسد. به‌این‌ترتیب، کشور در روزهای سرد با کمبودی در حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب گاز مواجه می‌شود. هرچند پاییز امسال به دلیل بارش کم و سرد نشدن محسوس هوا، فشار کمتری بر شبکه گاز وارد شد، اما با ورود موج‌های سرما و بارش برف در استان‌های مختلف این کمبود به‌صورت جدی خود را نشان داده است.»

به‌گفته او، بیش از ۸۰ درصد مصرف گاز در فصل سرما مربوط به بخش‌های خانگی، تجاری و اداری است و سهم

صنایع در این مقطع به‌طور محسوسی کاهش پیدا می‌کند. او می‌افزاید: «پیش از اوج سرمای زمستان، محدودیت گاز برای صنایع اعمال شده و در برخی موارد محدودیت‌هایی در تأمین برق نیز وجود داشته است. در بخش نیروگاهی نیز مشکل تنها به کمبود تعداد نیروگاه‌ها محدود نمی‌شود، بلکه کمبود سوخت نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. پیش‌تر روزانه حدود ۲۵۰ میلیون مترمکعب گاز به نیروگاه‌ها تحویل می‌شد، اما این رقم اکنون به کمتر از نصف کاهش یافته است. در بهترین حالت باید حدود ۲۰۰ میلیون مترمکعب گاز به نیروگاه‌ها اختصاص پیدا کنند.»

کفش‌کنان ادامه می‌دهد: «کاهش تحویل گاز به نیروگاه‌ها باعث شده است این واحدها برای جبران کمبود، به استفاده از سوخت‌هایی مانند گازوئیل و مازوت روی بیاورند؛ سوخت‌هایی که علاوه‌بر افزایش آلودگی هوا، از نظر فنی نیز برای تجهیزات نیروگاهی مناسب نیست و به آنها آسیب می‌زند. در شرایط اوج سرما، تحویل گاز به نیروگاه‌ها گاه تا حدود ۱۱ میلیون مترمکعب در روز کاهش می‌یابد و مابقی نیاز از طریق سوخت‌های مایع تأمین می‌شود.»

**هدایت انرژی به‌سمت مصرف خانگی**

به‌گفته این کارشناس انرژی، تعطیلی ادارات با هدف کاهش مصرف گاز در بخش اداری و تجاری انجام می‌شود تا امکان هدایت گاز به‌سمت مصرف خانگی فراهم شود و توضیح می‌دهد: «هرچند با تعطیلی، بخشی از مردم در خانه می‌مانند و مصرف خانگی ممکن است افزایش یابد، اما در مجموع تعطیلی ادارات، بانک‌ها و بخشی از کسب‌وکارها به کاهش مصرف در بخش‌های غیرخانگی کمک می‌کند. همچنین، هم‌زمانی این تعطیلی با چند روز تعطیلی‌ها متوالی، این امید را ایجاد کرده که با کاهش فعالیت‌های اقتصادی و افزایش سفرها، فشار بر شبکه گاز کمتر شود.» او یادآور می‌شود: «از تعطیلی ادارات گرفته تا استفاده از سوخت‌های جایگزین در نیروگاه‌ها، با هدف عبور از پیک مصرف و تأمین این مورد نیاز خانوارها انجام می‌شود و این رویه تقریباً هر سال در فصل زمستان تکرار می‌شود؛ چراکه مشکل ناترازی گاز همچنان پابرجاست و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت برای رفع آن به نتیجه نرسیده است.»

**شکاف عمیق در تولید و مصرف انرژی**

«سیداحسان حسینی»، دیگر کارشناس حوزه انرژی، نیز با اشاره به ناترازی‌ها در حوزه انرژی به «پیام ما» می‌گوید: «دولت امسال نسبت به سال گذشته اقدامات جدی‌تری برای تأمین سوخت زمستان انجام داده، اما ریشه تعطیلی‌ها و احتمال بروز خاموشی‌ها همچنان به شکاف عمیق میان تولید و مصرف انرژی بازمی‌گردد. پس از تجربه خاموشی‌ها و بحران تأمین انرژی در سال گذشته، وزارت نفت و وزارت نیرو تمرکز خود را بر تأمین و ذخیره‌سازی سوخت نیروگاه‌ها گذاشتند و امسال ذخایر گازوئیل و مازوت نیروگاهی تا حد حداکثری تکمیل شد؛ به‌طوری‌که در ابتدای مهرماه، مخازن سوخت نیروگاه‌ها عملاً پر بود. با این‌حال، ورود موج‌های سرمای و افزایش مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری، بار دیگر فشار سنگینی بر شبکه‌گاز وارد کرده‌است، او یا بیان اینکه از میزان گاز تزریقی روزانه شبکه بین ۶۷۰ تا ۷۰۰ میلیون مترمکعب در بخش‌های خانگی، تجاری، اداری، مدارس، مساجد و مراکز مشابه مصرف می‌شود، می‌گوید: «تنها حدود ۱۵۰ تا ۱۸۰ میلیون مترمکعب گاز برای تأمین نیاز صنایع عمده و نیروگاه‌ها باقی می‌ماند که پاسخگوی تقاضای آنها نیست. در چنین شرایطی نیروگاه‌ها ناچارند بخش عمده سوخت خود را از گازوئیل و مازوت تأمین کنند. در حال حاضر حدود ۷۵ میلیون مترمکعب گاز به نیروگاه‌ها تحویل می‌شود، در کنار آن روزانه حدود ۴۵ میلیون لیتر مازوت و ۱۱۰ میلیون لیتر گازوئیل مصرف می‌شود و عملاً گازوئیل به سوخت غالب نیروگاه‌ها تبدیل شده‌است. این وضعیت نشان می‌دهد کاهش عرضه گاز به نیروگاه‌ها نه صرفاً ناشی از ضعف توزیع، بلکه نتیجه کمبود واقعی گاز در کشور است.»

حسینی با تأکید بر اینکه ناترازی گاز هر سال تشدید می‌شود، توضیح می‌دهد: «مصرف گاز کشور به‌طور مستمر در حال افزایش است، درحالی‌که از امسال حتی روند تولید

گاز نیز کاهش‌ی شده است. علت اصلی این موضوع، نبود سرمایه‌گذاری کافی در بخش بالادستی صنعت گاز است که به دلیل محدودیت‌های مالی کشور انجام نشده و همین موضوع شکاف میان عرضه و تقاضا را عمیق‌تر کرده‌است»، این کارشناس حوزه انرژی با اشاره با استناد به آمارهای منتشرشده از سوی مرکز پژوهش‌های مجلس می‌گوید: «ناترازی گاز کشور به حدود ۳۰۰ میلیون مترمکعب در روز رسیده و این رقم نسبت به سال‌های گذشته افزایش یافته است. بخش عمده گاز تولیدی به مصرف خانگی اختصاص پیدا می‌کند و کسری ایجادشده مستقیماً به نیروگاه‌ها منتقل می‌شود، این امر ممکن است به خاموشی برق منجر شود.»

او تأکید می‌کند: «تعطیلی ادارات و محدودسازی فعالیت‌ها تلاشی برای مدیریت مصرف در کوتاه‌مدت است، اما این اقدامات راه‌حل ریشه‌ای محسوب نمی‌شود. حتی با حداکثر تلاش در تأمین، انتقال و توزیع انرژی و پر بودن مخازن سوخت نیروگاهی، ظرفیت زیرساختی کشور پاسخگوی رشد مصرف نیست و مشکل اصلی، نه صرفاً ضعف مدیریت روزمره بلکه ناترازی ساختاری انرژی است.»

حسینی هشدار می‌دهد: «با تداوم سرمای هوا، احتمال تعطیلی‌های بیشتر و حتی بروز خاموشی‌ها تا پایان زمستان، به‌ویژه تا پایان بهمن‌ماه، وجود دارد و این وضعیت بیش از هر چیز نتیجه شکاف فرآینده میان تقاضای انرژی و توان تولید کشور است.»

**هم‌زمانی بحران و تفسیر اجتماعی**

تعطیلی به‌دلیل برودت هوا و ناترازی انرژی در حالی اعلام می‌شود که در روزهای گذشته التهاب بازار و وضعیت اقتصادی بسیاری از اصناف و کسبه بازار را به برپایی تجمع‌های اعتراض‌آمیز علیه وضعیت اقتصادی واداشت. بسیاری از بازارها در تهران تعطیل و نیمه‌تعطیل شد. همچنین، تیم اقتصادی دولت یک جلسه ویژه برگزار کرد و هم‌زمان صحبت از تغییر رئیس‌کل بانک مرکزی به میان آمد. تعطیلی بازار و برخی تجمعات پراکنده در دانشگاه‌ها در روز سه‌شنبه، نهم دی‌ماه، در تهران ادامه پیدا کرد. هم‌زمانی تعطیلی ادارات در تهران و برخی استان‌های کشور در روز چهارشنبه، دهم دی‌ماه، موجب گمانه‌زنی برخی افراد در شبکه‌های اجتماعی شده است تا این تعطیلی‌ها را به این تجمعات ارتباط دهند.

این نخستین بار نیست که بخشی از جامعه چنین تحلیلی را از تصمیمات دولت داشته و معنای سیاسی و امنیتی از آن برداشت می‌کند؛ چراکه از یک‌سویه‌لحاظ جامعه‌شناختی «هم‌زمانی بحران» به‌وجود آمده و هر بحران، بحران دیگر را بازتعریف می‌کند و از سوی دیگر، جامعه دیگر رویدادها را جداگانه نمی‌بیند و «معنا» نه از علت رسمی رویدادها بلکه از دل «تلاقی» آنها تولید می‌شود. بنابراین، در شرایط هم‌زمانی بحران‌ها، جامعه رویدادها را نه بر اساس علت رسمی، بلکه براساس تجربه زیسته خود تفسیر می‌کند.

«امیل دورکیم» هم‌زمانی بحران‌ها را موجب بروز «انومی» می‌داند. در چنین وضعیتی که قواعد اجتماعی نامشخص شده و پیش‌بینی‌پذیری از بین رفته است، تصمیم‌های منطقی دولت برای مدیریت انرژی یا برودت هوا در ذهن جامعه بی‌معنا یا مشکوک تلقی می‌شوند و مردم به تفسیرهای غیررسمی روی می‌آورند.

از منظر «یورگن هابرماس»، متفکر آلمانی، نیز در چنین شرایطی وقتی سیاست‌های عمومی بدون گفت‌وگوی اقناعی و شفاف اتخاذ می‌شوند، کنش‌های فنی مانند تعطیلی ادارات به دلیل ناترازی انرژی نیز سیاسی تعبیر می‌شوند. از نظر او، این پدیده به «بحران مشروعیت تصمیم‌ها» منجر می‌شود و شکاف میان زبان رسمی دولت و تجربه زیسته شهروندان، اعتماد عمومی را متکفب می‌کند. در چارچوب نگاه این جامعه‌شناس متکب فرانکفورت، تعطیلی تصمیمی بدون «کنش ارتباطی مؤثر» و مستعد سوءتعبیر است.

بنابراین، هم‌زمانی تعطیلی ادارات و مراکز آموزشی در تهران و سایر استان‌ها، هم‌زمان با ورود موج سرما، علاوه‌بر جنبه فنی و مدیریت انرژی، می‌تواند بازتابی از هم‌زمانی بحران‌های اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی باشد.



ملی ایران کمک کنیم.»

مهاجرانی تصریح کرد: «دولت، حتی اگر صداهای تندی نیز وجود داشته باشد، با صبوری به این صداهای بلکه بحران‌ها را فرصتی برای ترمیم و تقویت بنیاد اجتماعی می‌داند.»

مهاجرانی با تأکید بر اینکه این وادیم واکنش طبیعی به فشار اقتصادی و معیشتی، همان چیزی است که در سطح جامعه مشاهده می‌شود، گفت: «بر این موضوع تأکید می‌کنم که اعتراضات مردم را به رسمیت می‌شناسیم و نسبت به تجمعات مسالمت‌آمیز که در قانون اساسی هم به رسمیت شناخته شده‌اند، تأکید داریم. همه ما باید به انسجام

ا سال بیست و یکم ا شماره پیاپی ۳۳۱۳ ا چهارشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۴ ا

ا خبر ا

## دلایل مخالفت کمیسیون تلفیق مجلس با بودجه

«مجتبی یوسفی»، سخنگوی کمیسیون تلفیق، در جریان جلسه علنی مجلس در سه‌شنبه، ۹ دی‌ماه، درباره دلایل مخالفت این کمیسیون با کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ گفت: «کمیسیون تلفیق پس از بررسی کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ کل کشور با اکثریت آرا با کلیات این لایحه مخالفت کرد.»

نخستین و مهم‌ترین دلیل مخالفت کمیسیون، پیشنهاد دولت برای افزایش ۲۰ درصدی حقوق کارکنان، کارگران و بازنشستگان بود؛ درحالی‌که نرخ تورم رسمی و غیررسمی بیش از ۴۰ تا ۴۵ درصد برآورد می‌شود.»



نماینده مردم اهواز در مجلس با بیان اینکه افزایش ۲۰ درصدی حقوق در شرایط تورم بالای ۴۰ درصد به‌معنای کاهش ۲۰ تا ۲۵ درصدی قدرت خرید مردم در سال آینده است، بیان کرد: «نتیجه‌ای جز کوچک‌تر شدن سفره خانوار و تحمیل فشار معیشتی بر اقشار مختلف جامعه ندارد. ازاین‌رو، مجلس با توجه به دغدغه‌های معیشتی مردم در کنار آنان ایستاد.»

یوسفی دومین دلیل مخالفت کمیسیون تلفیق را افزایش دو درصدی مالیات بر ارزش‌افزوده عنوان کرد و گفت: «افزایش مالیات از ۱۰ به ۱۲ درصد، نگرانی جدی درباره افزایش هزینه‌ها، کوچک‌تر شدن سفره مردم و تشدید فشار بر اصناف و تولیدکنندگان ایجاد کرده است؛ به‌ویژه در شرایطی که تولیدکنندگان و بازاریابان با ناسامانی در تأمین نهاده‌ها و نوسانات روزانه قیمت‌ها مواجه‌اند و امکان برنامه‌ریزی برای کسب‌وکار خود را ندارند.»

سخنگوی کمیسیون تلفیق با تأکید بر اینکه محور سوم رد لایحه، عدم شفافیت در منابع حاصل از فروش نفت و ابهام در میزان واکف بازاریابان با بازگشت ارز صادراتی به چرخه اقتصادی کشور بود؛ افزود: «هرچند گام‌هایی به‌سمت شفافیت برداشته شده، اما فاصله قابل‌توجهی تا وضعیت مطلوب و اجرای کامل احکام قانون برنامه هفتم وجود دارد.»

او ادامه داد: «چهارمین دلیل مخالفت نمایندگان ابهام در نحوه انتقال بارانه‌ها، به‌ویژه از ز ترجیحی و بارانه نان از ابتدای زنجیره تا مصرف‌کننده نهایی بود. با وجود تخصیص بیش از ۱۰ میلیارد دلار از ترجیحی برای کالاها اساسی در ۹‌ماهه سال، همچنان افزایش قیمت برنج، گوشت و مرغ در سفره مردم مشاهده می‌شود که نشان‌دهنده ضعف در مدیریت و نظارت بر این منابع است.»

یوسفی با بیان اینکه پنجمین محور رد لایحه، عدم پیش‌بینی و لحاظ برخی احکام و الزامات قانون برنامه هفتم پیشرفت، از جمله اصلاح فرآیندها در حوزه انرژی بود، توضیح داد: «تمرکز صرف بر مؤلفه‌های قیمتی و افزایش هزینه حامل‌های انرژی، راهکار مناسبی نیست و باید به‌سمت بهینه‌سازی مصرف، کاهش شدت انرژی، نوسازی ناوگان حمل‌ونقل، توسعه حمل‌ونقل عمومی و اسقاط خودروهای فرسوده حرکت کرد.»

او در ادامه تأکید کرد: «ششمین نگرانی نمایندگان، افزایش نامتعارف اعتبارات برخی ردیف‌های هزینه‌ای دستگاه‌ها و در مقابل، نگرانی از کاهش منابع برخی استان‌ها و بخش‌ها بود که موجب ایجاد نارضایتی و دغدغه در میان نمایندگان شد.»

سخنگوی کمیسیون تلفیق با بیان اینکه هفتمین دلیل رد لایحه، عدم افزایش اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای با همان پروژه‌های عمرانی بود؛ بیان کرد: «به‌طوری‌که اعتبارات عمرانی در لایحه بودجه ۱۴۰۵ بدون رشد و معادل سال قبل، حدود ۶۰۰ هزار میلیارد تومان پیش‌بینی شده که با توجه به تورم ۴۰ تا ۴۵ درصدی، عملاً به‌معنای کاهش واقعی اعتبارات عمرانی و رکود در توسعه زیرساخت‌ها و بخش پیمانکاری کشور است.»

او در ادامه با اشاره به بی‌توجهی لایحه به اجرای قانون جوانی جمعیت، حق مانده‌ندی و تسهیلات ازدواج گفت: «اگرچه قوانین بالادستی در این حوزه وجود دارد، اما انتظار نمایندگان این بود که در لایحه بودجه پیشنهاد‌های مشخصی برای حمایت از خانوادها، وام ازدواج و تسهیلات ضروری ارائه شود.»

سخنگوی کمیسیون تلفیق یادآور شد: «در مجموع این دغدغه‌ها سبب شد کلیات لایحه بودجه ۱۴۰۵ در کمیسیون تلفیق رد شود و انتظار می‌رود دولت با اعمال اصلاحات لازم، لایحه‌ای منطبق با معیشت مردم و الزامات قانونی به مجلس ارائه کند.»

ا خبر ا

سخنگوی دولت:

# اعتراضات را به رسمیت می‌شناسیم

«فاطمه مهاجرانی» با اشاره به شکل‌گیری تجمعات اعتراضی طی دو روز گذشته در برخی نقاط تهران و شهرستان‌ها، اظهار کرد: «اعتراض‌ها را به رسمیت می‌شناسیم؛ دولت صداهای تند را هم خواهد شنید.»

او افزود: «برای جلوگیری از افت معیشت مردم و

تأمین زیست شرافتمندانه، دو راهکار «سبد کالا» و

«اعتبار» پیش‌بینی شده که روز چهارشنبه در دولت

به قطعیت می‌رسد. در کنترل تورم نیز جلوگیری از کسری بودجه و ناترازی بانک‌ها از مهم‌ترین اولویت‌هاست.»

مهاجرانی تصریح کرد: «می‌بینیم مردم چگونه این

تأمین زیست شرافتمندانه، دو راهکار «سبد کالا» و «اعتبار» پیش‌بینی شده که روز چهارشنبه در دولت به قطعیت می‌رسد. در کنترل تورم نیز جلوگیری از کسری بودجه و ناترازی بانک‌ها از مهم‌ترین اولویت‌هاست.»

مهاجرانی تصریح کرد: «می‌بینیم مردم چگونه این

تأمین زیست شرافتمندانه، دو راهکار «سبد کالا» و «اعتبار» پیش‌بینی شده که روز چهارشنبه در دولت به قطعیت می‌رسد. در کنترل تورم نیز جلوگیری از کسری بودجه و ناترازی بانک‌ها از مهم‌ترین اولویت‌هاست.»

مهاجرانی تصریح کرد: «می‌بینیم مردم چگونه این

آگهی مزایده عمومی
فروش ماشین آلات فرسوده سبک و سنگین سازمان

سازمان مدیریت پسماند ملی شهرداری تهران

**سازمان مدیریت پسماند شهرداری تبریز به استناد مجوز اخذ شده در نظر دارد نسبت به برگزاری مزایده عمومی فروش ماشین آلات فرسوده سبک و سنگین سازمان با شرایط اعلامی مطابق فرم شرایط مزایده اقدام نماید . لذا کلیه متقاضیان می توانند از تاریخ انتشار آگهی ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ لغایت ۱۴۰۴/۱۰/۱۷ تا ساعت ۱۹:۰۰ جهت دریافت اسناد مزایده به آدرس اینترنتی [www.setadiran.ir](http://www.setadiran.ir) مراجعه نمایند. آخرین مهلت ارسال پیشنهادات مزایده در سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) تا ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ بوده و بازگشایی پیشنهادات واصله رأس ساعت ۱۴:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹ در جلسه کمیسیون مزایده سازمان قرائت خواهد شد. بازدید حضوری از ماشین آلات با هماهنگی معاونت پشتیبانی و حراست سازمان به آدرس: تبریز- میدان آذربایجان- بطرف فرودگاه- نرسیده به پل آجی چای- سازمان مدیریت پسماند شهرداری تبریز از تاریخ انتشار ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ لغایت ۱۴۰۴/۱۰/۲۸ از ساعت ۸:۰۰ تا ۱۳:۳۰ خواهد بود. لیست خودروها و سایر اطلاعات مربوط به مزایده در فرم شرایط و سامانه تدارکات الکترونیکی دولت(ستاد) موجود است.**

ایوب دیژی اصل - سرپرست سازمان

نوبت اول	سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان مرکزی اداره ثبت‌اسناد و املاک حوزه ثبت ملک محلات
 <span style="font-size: 0.8em;">نوبت اول</span>	<p>هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی سبزی علی زمامدار فرزند عباس شماره شناسنامه ۳ به کد ملی ۵۶۹۸۳۹۰۲۵ نسبت به تمامت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۶،۳۹ از پلاک شماره فرعی از ۴۱۶ اصلی واقع در قریه جودان (قولنامه عادی از عباس زمامدار) واقع در بخش محلات محرز گردیده است.</p> <p>۲- برابر راز شماره ۵۳۵،۵۵۰،۵۳۵،۱۴۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۹/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی سبزی علی زمامدار فرزند عباس شماره شناسنامه ۳ به کد ملی ۵۶۹۸۳۹۰۲۵ نسبت به تمامت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۶،۳۹ از پلاک شماره فرعی از ۴۱۶ اصلی واقع در قریه جودان (قولنامه عادی از عباس زمامدار) واقع در بخش محلات محرز گردیده است.</p> <p>۳- برابر راز شماره ۵۳۵،۵۵۰،۵۳۵،۱۴۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۹/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی سبزی علی زمامدار فرزند عباس شماره شناسنامه ۳ به کد ملی ۵۶۹۸۳۹۰۲۵ نسبت به تمامت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۳۶،۳۹ از پلاک شماره فرعی از ۴۱۶ اصلی واقع در قریه جودان (قولنامه عادی از عباس زمامدار) واقع در بخش محلات محرز گردیده است.</p> <p>۴- برابر راز شماره ۵۳۵،۵۵۰،۵۳۵،۱۴۶۶ مورخ ۱۴۰۴/۹/۱۲ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک محلات تصرفات مالکانه پلامعارض متقاضی سبزی علی زمامدار فرزند عباس شماره شناسنامه ۳ به کد ملی ۵۶۹۸۳۹۰۲۵ نسبت به تمامت ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۵۴۴۷،۶۵ از پلاک شماره فرعی از ۴۱۶ اصلی واقع در قریه جودان (قولنامه عادی از عباس زمامدار) واقع در بخش محلات محرز گردیده است.</p> <p>لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.</p> <p><b>علی صالحی - رئیس ثبت‌اسناد و املاک</b>  <b>تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰ - تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۲۵</b>  <b>شناسه آگهی: ۸۰۴۵۳۱</b></p>





**پشت صحنه یک برند تحسین‌شده در مد لندن**

# همه چیز روی دوش کارآموزان بود



Getty Images



مریم فاخرا

اخبرنگارا

این برند توسط دیلارا فیندیک‌اوغلو، طراح مد ترکیه‌ای-بریتانیایی، تأسیس شده است. فیندیک‌اوغلو در آرایش معمولاً موضوعات قدرت‌طلبی، آزادی زنانه، نقد اجتماعی و بیان هویت شخصی را بررسی می‌کند. با وجود اینکه هنوز یک برند نوپا در صحنه شلوغ مد لندن است، دیلارا فیندیک‌اوغلو جایگاه خود را تثبیت کرده است؛ ستارگان مشهور مانند «کیم کارداشیان» و «ماگو رابی» از طراحی‌های او بهره می‌برند و مجموعه‌های پرهیجان و منحول‌کننده او در هفته مد لندن با تحسین منتقدان مواجه می‌شود. اکنون به‌عنوان یک نوآور خلاق که «در خط مقدم موج جدید مد بریتانیایی» شناخته می‌شود، فیندیک‌اوغلو تصویری از موفقیت زود هنگام در صنعت را ارائه می‌دهد. اما همان‌طورکه اغلب پیش می‌آید، وقتی سطحی‌ترین لایه‌ها را کنار بزنید، اوضاع پیچیده‌تر است. ادعاهایی که به فرهنگ کاری سمی این برند اشاره می‌کنند، چند سالی است در محافل صنعتی دست‌به‌دست می‌شود.

این موضوع زمانی جدی‌تر شد که «لوئیس پیسانو»، خبرنگار آمریکایی صنعت فتراپریس، ال‌گوئی نقدها در سایت «گلس‌دور» را بررسی کرد؛ وب‌سایتی که در آن کارکنان کنونی و سابق به‌طور ناشناس شرکت‌ها را ارزیابی می‌کنند. پیسانو نخستین بار در سپتامبر ۲۰۲۳، هنگام گفت‌وگو با جمع همیشگی فعالان مد درباره دوره‌های کارآموزی، موضوعی که به وسواسی دائمی برای دنبال‌کنندگان مشتاق ورود به این صنعت تبدیل شده، وارد دنیای عجیب و پیچیده سایت گلس‌دور شد. وقتی بحث به لندن رسید، به‌گفته پیسانو، یکی از حاضران در میان گفت‌وگو با لحنی که هم جدی و هم شوخی بود، گفت: «فقط اینکه آن‌ها را پیش دیلارا نفرستید.»

پیسانو در گفت‌وگویش با «فشنیستا» (Fashionista؛ رسانه آنلاین تخصصی در حوزه مد) ادامه می‌دهد: «پرسیدم قضیه چیست؟ و آنها گفتند برو نقدها در سایت گلس‌دور را ببین.» طبیعی است که پیسانو، که به‌گفته خودش همیشه کنجکاو است، از آن لحظه به‌بعد وارد ماجرا شد. او می‌گوید: «تعداد درازه زیاد نیست، اما به‌اندازه کافی و با داستانی مشابه وجود دارد. اکثر آنها نقدهایی منفی هستند.»

**در ظاهر «دیلارا فیندیک‌اوغلو» داستان موفقیت یک طراح نوآور در مد لندن است؛ اما پشت این تصویر کارآموزانی ایستاده‌اند که می‌گویند ساعت‌های طولانی بدون دستمزد کار کرده‌اند، هزینه‌های تولید را از جیب خود پرداخته‌اند و در فضایی سمی و فرساینده دوام آورده‌اند. صورت‌های مالی شرکت تنها یک کارمند رسمی را نشان می‌دهد، اما شهادت‌ها حاکی از آن است که همه چیز بر دوش کارآموزان بوده است.**

**واقعیت کارآموزی در آنجا چیز دیگری بود**

نقدها شامل داستان‌هایی از اضافه‌کاری بدون دستمزد، پرداخت هزینه خیاطان توسط کارآموزان و تجربیات سوءاستفاده کلامی است. وقتی از استودیو دیلارا فندیک‌وگلو خواسته شد تا به این ادعاها پاسخ دهد، این استودیوگفت «ترجیح می‌دهد در این مورد اظهارنظر نکند». حدود یک ماه پس از افشای پیسانو در شبکه‌های اجتماعی، طراحی به‌نام «کاری‌با‌بند» ویدئویی در تیک‌تاک منتشر کرد که تجربه خود را از شش سال پیش در استودیویی بدون نام در لندن توضیح می‌داد؛ جایی که روی کاغذ موفق به نظر می‌رسید، اما واقعیت کارآموزی آن اصلاً جذاب نبود. در این ویدئو، بانم فاش کرد که او ساعت‌های طولانی کار می‌کرد، بدون وقت ناهار و مانند بسیاری از استودیوهای لندن، بدون دستمزد. اگرچه بانم، که اکنون برند خود را اداره می‌کند، تصمیم گرفته است اظهارنظر بیشتری نکند، اما تأیید کرده‌که ویدئویی تیک‌تاک مربوط به تجربه او در دیلارا فیندیک‌اوغلو است.

برخی افراد مطلع در لندن حتی ادعا کرده‌اند دانشجویان دانشکده هنر و طراحی «سنت ماریتینز» دیگر اجازه کارآموزی برای این برند را ندارند. ادعایی که نماینده روابط‌عمومی این دانشکده آن را رد و تأکید می‌کند دانشگاه «به بازورد دانشجویان گوش می‌دهد و با کارفرمایان همکاری می‌کند تا فرهنگ کاری مثبت تضمین شود.» «هر چیزی که می‌خوانید درست است، این را «اندی» که تجربه کار برای فیندیک‌اوغلو را داشته، می‌گوید. او سال گذشته چند ماه تمام‌وقت در این استودیو کار و قرارداد عدم افشا امضا کرده است؛ هرچند ادعا می‌کند هرگز نسخه‌ای از آن را دریافت نکرده است. این کارمندان سابق، رابطه خود با فیندیک‌اوغلو در داستان‌توصیف می‌کنند و لحظات خوبی را که داشته، انکار نمی‌کنند. هرچند ادعا می‌کنند با چیزی که بتوان آن را فضایی سمی نامید، روبه‌رو نشده، اما مشاهدات او چندان شبیه آن شروع امیدوارکننده‌ای نیست که معمولاً برای نخستین قدم‌ها در دنیای مد انتظار می‌رود.

«هیچ چیزپوشش داده نمی‌شد؛ نه رفت‌وآمد، نه یک ساندویچ، نه حتی یک اوبر بعد از یک روز ۸ساعته.» این را اندی می‌گوید. کمبود حمایت بسیار فراتر از نیازهای اولیه بود. اندی به یاد می‌آورد که برای کارآموزان معمول بود پارچه، دکمه و سایر ملزومات را با

هنوز او را ناراحت می‌کند: «وقتی موعد تحویل یک قطعه سفارشی می‌رسید، چون هیچ پولی وجود نداشت که وسایل مورد نیاز به‌موقع خریداری شوند؛ کارآموزان با تاکسی فرستاده می‌شدند و مجبور بودند در راه بدون‌تذا لباس را به‌موقع تحویل دهند. چگونه می‌توان انتظار داشت با فشار برای به‌موقع تمام کردن کار، کمبود تجهیزات مناسب و نبود نور این کار را به‌صورت حرفه‌ای انجام داد؟» لیلی نیز رفتارهایی را در استودیو به یاد می‌آورد که حرفه‌ای نبود. او می‌گوید: «یک‌بار برای پول قبل از اتمام مجموعه، وارد استودیو شدم. ساعت ۹:۳۰ صبح رسیدیم و بدون خوردن غذا یا حتی رفتن به دستشویی، تا ساعت ۶:۳۰ عصر کار کردیم.» او مکث می‌کند: «ضعف کرده بودم و داشتم روی مدل غش می‌کردم. نمی‌توانستم تمرکز کنم. ما دیگر نمی‌توانستیم تمرکز کنیم؛ چون خیلی گرسنه بودیم و فیندیک‌اوغلو فقط به ما می‌گفت: «بعد از تمام کردن کار غذا بخور» می‌بینی هنوز انجام نشده، اول آن را تمام کن.» درحالی‌که خودش پیتزا سفارش داده بود. لیلی و همکارانش در آن وضعیت ادامه دادند؛ زیرا گزینه توقف وجود نداشت. وقتی پرو تمام شد و فیندیک‌اوغلو رفت، آنها چنان گرسنه بودند که تکه‌های باقیمانده پیتزای او را خوردند. او می‌گوید: «وضع اینقدر بد بود.» با داشتن موقعیتی تمام‌وقت که او را شش روز در هفته در استودیو نگه می‌داشت، در سیستمی که آن را «۹ تا ۹» توصیف می‌کند، لیلی با حجم زیادی از مسئولیت‌ها روبه‌رو شده بود. او می‌گوید: «من ال‌گو برش می‌زدم، لباس می‌چیدم، طراحی می‌کردم و همه چیز را انجام می‌دادم. ما مجبور بودیم لباس‌هایش را از خشکشویی بگیریم، تاکسی‌هایش را رزرو کنیم، قرارهای ملاقاتش را هماهنگ کنیم. همه چیز را باید مدیریت می‌کردیم؛ تولید، ایمیل‌ها، روابط‌عمومی، آرایش، رزرو و هماهنگی با خیاط. همه اینها در حالی بود که همیشه یک چشم روی تلفن داشت تا موقع درخواست رئیسش آماده باشد.

لیلی دو سال بعد کاملاً خسته و فرسوده استودیو را ترک کرد. او یادآوری می‌کند: «هر صبح قبل از رفتن به استودیو بالا می‌آوردیم، صدایش لرزان است و خاطره‌هنوز او را آذیت می‌کند.

**کل برند براساس حضور کارآموزان ساخته شده است**

در طول سال‌ها، کارآموزان زیادی از درهای استودیو عبور کرده‌اند. اندی، که در چندین استودیویی مد در لندن کار کرده است، از تعداد زیاد کارآموزان در استودیو فیندیک‌اوغلو شگفت‌زده است: «کل برند براساس حضور کارآموزان ساخته شده. بدون این نیروی انسانی فوق‌العاده، نه برندی وجود داشت و نه شهرتی که الان فیندیک‌اوغلو دارد.» «اسپنسر» که سال گذشته در استودیو کارآموزی کرده بود، این ادعاها را تأیید می‌کند: «کارآموزان زیادی بودند و کار زیادی برای انجام وجود داشت.» او روزهای طولانی و پریشانه‌ای را در فضایی که آن را تنش‌آلود توصیف می‌کند، گذرانده است. به‌گفته او، هیچ کارمندی برای تقسیم کار وجود نداشت، تنها یک مدیر استودیو بود که «مثل کارآموزان با او رفتار می‌شد.» باین‌حال، او و دیگر کارآموزان گاهی احساس می‌کردند نقششان حیاتی است. او توضیح می‌دهد: «ما احساس ارزشمندی می‌کردیم؛ چون مجموعه بدون ما به‌طور بدون وجود نداشت، اما هیچ اقدام ملموسی برای قدرانی از ما انجام نمی‌شد.» بعد از کار در دیگر استودیوهای لندن، اسپنسر فرهنگ کاری فیندیک‌اوغلو را یک مورد منفرد نمی‌بیند، بلکه بخشی از الگوی گسترده‌تر صنعت مد بریتانیا می‌داند؛ جایی که «کارآموزان اغلب بدون قرارداد، بدون دستمزد و تنها تا زمانی که لازم هستند، مورد استفاده قرار می‌گیرند.» برای مثال، یک منبع مستقر در لندن، برنامه کاری سختی را در زمان کار برای طراح «اشلی ویلیامز» توصیف می‌کند: «انتظار می‌رفت از ساعت ۹ صبح تا ۹ شب، روز شش در هفته، گاهی هفت روز، بدون دستمزد و تنها با یک استراحت ناهار کار کنیم.» این سطح انتظار از کارآموزان متأسفانه در صنعت مد بسیار رایج است، به‌ویژه در شرکت‌های کوچک و کم‌منبع. اما آیا این قانونی است؟

**آنها بار استودیو را به دوش می‌کشند**

طبق قانون بریتانیا، کارآموزان تنها در صورتی مستحق حداقل دستمزد ملی هستند که به‌عنوان «کارگر» شناخته شوند. کارآموزی‌های دانشجویی (مرتبط با دوره آموزش عالی یا مورد نیاز مدرسه) و موقعیت‌های داوطلبانه در حوزهای مهم و قانونی بدون دستمزد قرار دارند؛ اگرچه گاهی ممکن است برای مزایای جزئی مانند کمک هزینه رفت‌وآمد یا ناهار/راجد شرایط شوند.

گزارشی در سال ۲۰۱۸ توسط شورای مد بریتانیا، همان نهادی که اخیراً جایزه Vanguard را به فیندیک‌اوغلو اعطا کرد، به برخی از مسائل



سیستمی در حوزه کارآموزی بریتانیا پرداخته است. این گزارش به‌طور رسمی مشاوره حقوقی ارائه نمی‌داد، اما با کمک و نظر مشاوران حقوقی نگارش شده بود. در یکی از بخش‌ها آمده است: «هر جایی که سازمانی نیاز به کارآموز (چه دانشجو و چه غیردانشجو) به عنوان بخشی از نیازهای اساسی کاری خود داشته باشد و تمرکز بر بهره‌وری باشد تا توسعه فردی، کارآموز باید دستمزد دریافت کند.» اگرچه شورای مد بریتانیا «ضوابط رفتار حرفه‌ای» در وب‌سایت خود دارد، اما هیچ کانال رسمی برای گزارش تخلفات اعضا نمی‌دهد. این موضوع، کارآموزان استثما شده را با دو گزینه روبه‌رو می‌کند: یا به قانون بریتانیا متکی شوند، که بیشتر ابهام دارد تا حمایت‌های روشن، یا به سازمان‌های حقوق کار مراجعه کنند، که هنوز جایگاه چندانی در روایت اصلی صنعت مد ندارند.

در استودیو فیندیک‌اوغلو ممکن است کارآموزان تحت عنوان کارآموزی دانشجویی استخدام شده باشند، اما همان‌طورکه شهادت‌های اندی، لیلی، هری و اسپنسر نشان می‌دهد، به‌نظر نمی‌رسد آنها صرفاً در حال یادگیری اصول اولیه بوده‌اند؛ بلکه آنها عملاً بار استودیو را به دوش می‌کشیدند.

**ادعای فمینیستی دارن، درحالی‌که دروغ است**

به‌گفته کارکنان، مشکلات استودیو فیندیک‌اوغلو فراتر از اتکای مداوم به‌عبارتی، بهره‌کشی از نیروی کار بدون دستمزد بود. اندی، هری و لیلی همگی از مسائل دیگر پشت پرده، که به همان اندازه نگران‌کننده است، صحبت می‌کنند.

اندی بازگو می‌کند: «گفته می‌شد در استودیو تنها می‌توانند به انگلیسی صحبت کنند، اما بعد پشت سر هم به زبان خود، یعنی ترکی، صحبت می‌کردند.» هری نیز شاهد رفتارهای تبعیض‌آمیز مبتنی بر زبان بود. لیلی این تجربیات را نداشت، او می‌گوید او بارها انتقادهای فیندیک‌اوغلو از زنان را مشاهده کرده است. لیلی ادعا می‌کند: «آنچه مراناراحت می‌کند این است که او انودم می‌کند بزرگ‌ترین فمینیست روی زمین است و این کاملاً دروغ است.» او مدل‌های خود را نقد می‌کند. به یاد دارم در برنامه‌ای در گوشه‌اش صوت یک مدل را تغییر می‌داد و می‌گفت: اگر بینی کوچکتری داشت، چه می‌شد؟» اندی می‌گوید این نوع از اظهارنظرهای تحقیرآمیز از سوی فیندیک‌اوغلو ادامه داشت و حتی به اظهارات تبعیض‌آمیز می‌رسید: «او زیاد از کلمه ghetto استفاده می‌کرد.» ghetto پار انتقادی یا تحقیرآمیز دارد و معمولاً برای توصیف چیزی ناقص، ابتدایی یا سطح پایین به کار می‌رود. اندی به توییט پیسانو اشاره می‌کند که در آن، ادعای یک کارمند سابق دیگر مبتنی بر اینکه مدل‌های سیاه خیلی ghetto تلقی می‌شدند، ذکر شده بود.

به‌گفته اندی، این موضوع به همین جا ختم نمی‌شد. اندی ادعا می‌کند: «تیم انتخاب مدل، دائم برای نوع در انتخاب مدل‌ها تلاش می‌کردند، اما فیندیک‌اوغلو همیشه می‌گفت: «لباس‌های من برای این افراد ساخته نشده‌اند، چون شفاف است، روی پوست تیره جواب نمی‌دهد.» «دیگر مدل‌های سایز بزرگ نمی‌خواهم چون ظریف به نظر نمی‌آیند.» اندی ادامه می‌دهد: «او دوست داشت فقط از دختران سفید، با موی فرم‌ز تقریباً ویکتوریایی، استفاده کند. می‌توانی این را در همه چیزهایی که پست می‌کنند، ببینید. به همین دلیل است که اگر به نمایش‌ها نگاه کنید، معمولاً بین آن‌همه مدل، فقط یک دختر سیاه وجود دارد.»

**مد هنوز بر این باور عمل می‌کند که تنها افراد قوی زنده می‌مانند**

فیندیک‌اوغلو هیچ مدل میانه‌ساز یا سایز بزرگ نداشت. این کمبود سابق قابل مشاهده، همراه با روایت‌های متعدد کارآموزان و کارکنان سابق استودیو فیندیک‌اوغلو، شروع به فرسایش ظاهر سازمان‌یافته صنعت مد می‌کند و چیزهای شرکان‌کننده‌ای را که زیر آن پنهان است، آشکار می‌سازد. به‌گفته پیسانو، مد هنوز بر این باور عمل می‌کند که تنها افراد قوی زنده می‌مانند، «مثل داوینچیسام است.» او تأسف می‌خورد. این مقایسه ممکن است ابتدا اغراق‌آمیز به نظر برسد، اما پس از شنیدن این داستان‌ها، کاملاً معنی‌دار است. هر یک از منابعی که فشنیستا با آنها صحبت کرده، اقدام قانونی علیه استودیو فیندیک‌اوغلو نکرده‌اند؛ عمدتاً به‌دلیل محدودیت‌های قراردادهای عدم افشا. اما دلیل مهم‌تر، به‌گفته خودشان، ترس بود. برخی ادعا می‌کنند برای دریافت پولی که به آنها تعلق داشت، شمدیو می‌بازره‌ش کردند، اما نه‌فایات احساس کردند به چالش کشیدن فیندیک‌اوغلو در دادگاه، با نفوذ مالی و اجتماعی او، مانند نبردی از پیش باخته است.

اکنون اندی، لیلی، هری، اسپنسر و بسیاری دیگر به راه خود ادامه می‌دهند. بعضی خارج از صنعت مد. این درحالی‌ست که دیگران هنوز به همان سیستمی که آنها را ناکام گذاشته، امیدوارند. آنان همچنان به‌واسطه توافقنامه‌های عدم افشا، تجربه‌های کاری سخت و دستمزد‌های معوق به‌کندیگر پیوند خورده‌اند. امنیخ: فشنیستا

توبت دوم	سازمان ثبت‌انستاد و املاک کشور
<div><div><span><span>ترازوی</span></span></div><div><span>توبت</span></div></div>	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رزی شماره ۱۲۴۹۱۰۷۲۴۹۱۰۷۲۴۹۱۰۷۲۴۹۱۰۷۲۴۹۱۰۷۲۴۹۱۰۷۲۴۹ مورخه ۱۴۰۴/۰۶/۰۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبت ملک صومعه‌سرا تصرفات مالکانه بلامعارض به نام سیلک فتحی راسته کناری فرزند عبدالله به شماره شناسنامه ۲۳۸ صادره رشت درشندانگی یک قطعه زمین باغی بمساحت ۶۲۸۸۰/۰۶ مترمربع به پلاک ۱۰۳۰ فرعی ۲۸۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۱ واقع در قریه سنکجوب بخش ۲۳ گیلان خریداری از نسق محرز زحمتکش سنجویی محرز گردیده است.	
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است و رسید در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
<b>تاریخ انتشار توبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ - تاریخ انتشار توبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰</b>	
<b>یداله شهبازی - رئیس ثبت‌انستاد و املاک شهرستان صومعه‌سرا</b>	
<b>شناسه آگهی: ۲۰۶۶۰۵۶</b>	
<b>م الف: ۹۱۰۳۴۳۸</b>	

توبت دوم	سازمان ثبت‌انستاد و املاک کشور
<div><div><span><span>ترازوی</span></span></div><div><span>توبت</span></div></div>	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رزی شماره ۱۲۴۹۱۰۷۲۴۹۱۰۷۲۴۹۱۰۷۲۴۹۱۰۷۲۴۹۱۰۷۲۴۹ مورخه ۱۴۰۴/۰۸/۰۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر درواحد ثبت ملک صومعه‌سرا تصرفات مالکانه بلامعارض به نام حوری اندرز جاده کناری فرزند عبدالله به شماره شناسنامه ۲۳۸ صادره رشت درشندانگی یک قطعه زمین زروعی بمساحت ۶۲۸۸۰/۰۶ مترمربع به پلاک ۱۰۳۰ فرعی ۲۸۲ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۳ واقع در قریه ششامخند بخش ۲۲ گیلان خریداری از نسق محرز گردیده است.	
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است و رسید در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
<b>تاریخ انتشار توبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ - تاریخ انتشار توبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰</b>	
<b>یداله شهبازی</b>	
<b>رئیس ثبت‌انستاد و املاک شهرستان صومعه‌سرا</b>	
<b>شناسه آگهی: ۲۰۶۵۹۵۴</b>	
<b>م الف: ۹۱۰۳۴۳۳</b>	

توبت دوم	سازمان ثبت‌انستاد و املاک کشور
<div><div><span><span>ترازوی</span></span></div><div><span>توبت</span></div></div>	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای اصلاحی شماره ۱۳۴۶۱۰۳۴۶۱۰۳۴۶۱۰۳۴۶۱۰۳۴۶ مورخه ۱۴۰۴/۰۷/۱۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه‌سرا تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای ، خانم حسین بهارزاده خرف فرزند علی‌اکبر به شماره شناسنامه ۴۱ صادره از صومعه‌سرا شندانگی یک قطعه زمین شایرزای بمساحت ۲۸۸۰۰/۰۶ مترمربع پلاک ۱۳۵ فرعی از ۴۴ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۵ واقع در خرف بخش ۲۲ گیلان خریداری از نسق نوپور علی بهارزاده محرز گردیده است.	
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است و رسید در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
<b>تاریخ انتشار توبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ - تاریخ انتشار توبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰</b>	
<b>یداله شهبازی - رئیس ثبت‌انستاد و املاک شهرستان صومعه‌سرا</b>	
<b>شناسه آگهی : ۲۰۶۵۹۴۵ - م الف: ۹۱۰۳۳۳۲۲</b>	

توبت دوم	سازمان ثبت‌انستاد و املاک کشور
<div><div><span><span>ترازوی</span></span></div><div><span>توبت</span></div></div>	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای اصلاحی شماره ۳۳۴۸۱۰۳۳۴۸۱۰۳۳۴۸۱۰۳۳۴۸ مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۱۲ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه‌سرا تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای،خانم سیده‌آسیه سادات کوهی فرزند سید احمد به شماره شناسنامه ۱۶۲۱ صادره از صومعه‌سرا شندانگی یک قطعه زمین باغی بمساحت ۶۵۸/۷۲ مترمربع پلاک ۲۸۲ فرعی از ۶۶ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۵ فرعی از ۲۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۲۳ فرعی از نسق ذکر توسط کارشناس محرز گردیده است.	
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است و رسید در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
<b>تاریخ انتشار توبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ - تاریخ انتشار توبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰</b>	
<b>یداله شهبازی - رئیس ثبت‌انستاد و املاک شهرستان صومعه‌سرا</b>	
<b>شناسه آگهی: ۲۰۶۵۸۷۸</b>	
<b>م الف: ۹۱۰۳۴۲۹</b>	

توبت دوم	سازمان ثبت‌انستاد و املاک کشور
<div><div><span><span>ترازوی</span></span></div><div><span>توبت</span></div></div>	
شماره: ۱۴۰۴۰۳۲۶۰۰۰۷۷۰۴ تاریخ: ۱۴۰۴/۰۹/۱۸	
<b>سازمان ثبت‌انستاد و املاک کشور</b>	
<b>اداره کل ثبت‌انستاد و املاک استان همدان</b>	
<b>اداره کل ثبت‌انستاد و املاک حوزه ثبت ملک همدان - ناحیه یک</b>	
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر آرای شماره ۱۲۴۹۱۰۷۱۹۳۰۳۲۶۰۰۷۱۹۳۰۳۲۶۰۰۷۱۹۳۰۳۲۶۰۰۷۱۹۳ مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۲۷ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک همدان - ناحیه یک تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی	
۱- خانم فرید خدابندلوئی فرزند محمدحسین بشماره شناسنامه ۲۳۰۳ صادره از قهاوند	
۲- آقای محمد سلطانی فرزند علی بشماره شناسنامه ۵۸۱۰۱ صادره همدان	
هریک به نسبت سه دانگ شماع از شندانگی یک باب خانه (کابری مسکونی) به مساحت ۱۴۸/۴۳ مترمربع قسمتی از پلاک ۱۷۶۸ فرعی از ۹ اصلی واقع در حومه بخش یک همدان به نشانی نایب احمد کوچه غدیرخیزداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای کاظم‌کمالی محرز گردیده است.	
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند می‌توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
<b>تاریخ انتشار توبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ - تاریخ انتشار توبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰</b>	
<b>حمید سلگی - رئیس ثبت انستاد و املاک</b>	
<b>شناسه آگهی : ۲۰۶۴۹۰۱ - م الف: ۳۱۱۸</b>	

توبت دوم	سازمان ثبت‌انستاد و املاک کشور
<div><div><span><span>ترازوی</span></span></div><div><span>توبت</span></div></div>	
آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آیین‌نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی	
برابر رای اصلاحی شماره ۳۳۷۰۱۴۰۴۰۳۳۸۱۰۱۴۰۴۰۳۳۸۱۰۱۴۰۴۰۳۳۸۱ مورخه ۱۴۰۴/۰۲/۰۱ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمان‌های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبت ملک صومعه‌سرا تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای/خانم سیده هاجر فتحی چویه فرزند سید کلمبر به شماره شناسنامه ۷۳۰ صادره از صومعه‌سرا شندانگی یک قطعه زمین باغی به مساحت ۷۵۵ مترمربع پلاک ۵۸۵ فرعی از ۲۷ اصلی مفروز و مجزی شده از پلاک ۷۳ واقع در چویه بخش ۲۲ گیلان خریداری از نسق ذکر نشده محرز گردیده است.	
لذا به‌منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می‌شود چنانچه اشخاصی نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی بشرح مذکور اعتراض داشته باشد می‌توانند از تاریخ اولین انتشار آگهی بمدت ۲ ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است و رسید در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض مدت مذکور طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.	
<b>تاریخ انتشار توبت اول: ۱۴۰۴/۰۹/۲۵ - تاریخ انتشار توبت دوم: ۱۴۰۴/۱۰/۱۰</b>	
<b>یداله شهبازی - رئیس ثبت‌انستاد و املاک شهرستان صومعه‌سرا</b>	
<b>شناسه آگهی : ۲۰۶۴۷۵۷ - م الف: ۹۱۰۳۴۴۰</b>	



-تلفظ

**چرا توسعه در کشور ما اغلب برعکس عمل می‌کند؟**

# عقلانیت شکست خورده در ایران

این نوشته بر آن نیست که نقش فساد، منافع خاص یا ناآگاهی را در شکست سیاست‌های توسعه در ایران انکار کند. این عوامل وجود دارند و در بسیاری از موارد تعیین‌کننده‌اند. اما تمرکز این مقاله بر وضعیتی متفاوت است؛ وضعیتی که در آن، حتی در غیاب بدخواهی آشکار، سیاست‌هایی که با نیت اصلاح، استدلال فنی و با عقلانیت ابزاری طراحی شده‌اند، به نتایج منتهی شده‌اند که دقیقاً علیه هدف اولیه عمل کرده‌اند.



پیش از ورود به نقد سیاست‌های توسعه و تصمیم‌گیری در ایران، لازم است ابزار تحلیلی که این مقاله بر آن تکیه دارد، روشن شود. بسیاری از اختلاف‌نظرها در تحلیل سیاست عمومی، نه از اختلاف داده‌ها، بلکه از تفاوت در «زاویه نگاه» ناشی می‌شود. این مقاله تلاش نمی‌کند نیت سیاستگذار را قضاوت و اثر عوامل دیگر را انکار کند، بلکه تمرکز بحث بر منطق پویایی سیستم‌های اجتماعی است. در این چارچوب، مفهوم «بازخورد» نقش محوری دارد. به‌طور ساده، بازخورد (فیدبک) یعنی بازگشت اثر یک کنش به خود سیستم. هر تصمیم، هر سیاست و هر مداخله‌ای، پیامدهایی ایجاد می‌کند که دوباره به فضای تصمیم‌گیری بازمی‌گردند و رفتار بازیگران را تغییر می‌دهند. این بازگشت می‌تواند اصلاح‌گر باشد یا تشدیدکننده، کند باشد یا سریع، آشکار باشد یا پنهان. در نگاه‌های ساده و خطی، بازخورد اغلب به‌صورت مکانیکی فهم می‌شود: اگر سیاستی نتیجه نامطلوب داشت، آن را اصلاح می‌کنیم؛ اگر نتیجه مطلوب بود، ادامه‌اش می‌دهیم. این تصور ضمنی، فرض می‌کند رابطه میان تصمیم و نتیجه مستقیم، قابل‌مشاهده و قابل‌کنترل است. اما در سیستم‌های اجتماعی، این فرض به‌ندرت صادق است.

### سیاستگذار معمولاً

**با منطق فنی جلومی‌رود**

**آب کم است**

**کارایی را بالا ببریم**

**ترافیک زیاد است جاده**

**بسیاریم...اما جامعه مثل**

**یک ماشین بی‌جان**

**واکنش نمی‌دهد**

نکته دیگر در موضوع تغییر نظام آبیاری عدم توجه به بازخورد پنهان بود. در آبیاری سنتی (غرقابی)، بخشی از آب دوباره به زمین نفوذ می‌کرد و سفره‌های زیرزمینی را تغذیه می‌کرد. با سیستمی کردن آبیاری، آن «برگشت آب» قطع شد، درحالی‌که در ظاهر همه فکر می‌کردند سیستم در حال «صرفه‌جویی» است. این یعنی سیستم (دشت‌های ایران) در حال مرگ بود، اما گزارش‌های دولتی (بازخوردهای کوتاه‌مدت) فقط «افزایش کارایی» را نشان می‌دادند.

**ترافیک تهران: پارادوکس جونز در مقیاس شهری**

یکی از شناخته‌شده‌ترین و درعین‌حال آموزنده‌ترین نمونه‌های پارادوکس جونز در ایران، سیاست توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل شهری در تهران است. طی چند دهه گذشته، راهبرد مسلط مدیریت شهری بر این فرض استوار بود که گره ترافیک را می‌توان با افزایش ظرفیت فیزیکی شبکه معابر حل کرد؛ ساخت بزرگراه‌های جدید، تعریض مسیرها، احداث تقاطع‌های غیرمسطح و تونل‌ها.

این منطق، دست‌کم در ظاهر، کاملاً عقلانی به نظر می‌رسد. اگر خیابان‌ها شلوغ‌اند، راه‌حل طبیعی آن است که خیابان بیشتری ساخته شود. این دقیقاً همان منطقی است که بسیاری از شهرداران تهران، از جمله در دهه ۷۰، به آن استناد کرده‌اند. حتی در دفاعیات رسمی برخی مدیران شهری نیز بارها به این نکته اشاره شده که تهران از دیرباز شهری پرتراфик بوده و رشد سریع جمعیت و خودروایجاب می‌کرده که شبکه بزرگراهی گسترش یابد. بر همین اساس، طی حدود سه دهه، ده‌ها پروژه بزرگراهی و عمرانی در تهران اجرا شد؛ بزرگراه‌های درون‌شهری، حلقه‌های ارتباطی، پل‌ها، تونل‌ها و تقاطع‌های چندسطحی. مقیاس این مداخلات به‌قدری وسیع بوده که تهران امروز از نظر سرانه بزرگراه، با بسیاری از کلانشهرهای جهان قابل‌مقایسه است.

اما پس از حدود ۳۰ سال توسعه مستمر زیرساخت، تهران همچنان و حتی بیش از گذشته، با بحران ترافیک مواجه است. نه‌تنها گره‌های ترافیکی از میان نرفته‌اند، بلکه در بسیاری از نقاط، شبکه‌ای از قفل‌های ترافیکی درهم‌تنیده شکل گرفته است؛ به‌گونه‌ای‌که اختلال در یک محور، به‌سرعت به چند محور دیگر سرایت می‌کند. این وضعیت را نمی‌توان صرفاً به «اجرای ناقص پروژه‌ها» یا «افزایش جمعیت» فروکاست. مسئله عمیق‌تر است و دقیقاً در منطق بازخوردها ریشه دارد.

**تقاضای القایی: بازخورد پنهان سیاست راهسازی**
آنچه در تحلیل‌های خطی نادیده گرفته می‌شود، پدیده‌ای است که در ادبیات حمل‌ونقل به «تقاضای القایی» معروف است. افزایش ظرفیت معابر هزینه زمانی و روانی استفاده از خودرو را کاهش می‌دهد. این کاهش هزینه، خود یک سیگنال رفتاری قوی است؛ استفاده از خودرو شخصی منطقی‌تر، راحت‌تر و کم‌هزینه‌تر می‌شود. درنتیجه، افرادی که پیش‌تر از حمل‌ونقل عمومی استفاده می‌کردند، به خودروی شخصی روی می‌آورند. سفرهایی که قبلاً انجام نمی‌شد، به‌صرفه می‌شود و الگوی سکونت و اشتغال به‌گونه‌ای تغییر می‌کند که وابستگی به خودرو افزایش می‌یابد. به بیان دیگر، زیرساخت جدید، رفتار جدید تولید می‌کند. این رفتار جدید، به‌سرعت ظرفیت تازه ایجادشده را پر می‌کند و سیستم را به همان نقطه بحرانی، یا حتی بدتر، بازمی‌گرداند. این دقیقاً همان منطق پارادوکس جونز است؛ افزایش کارایی ابزار (شبکه معابر)، به افزایش مصرف کل (ترافیک) منجر می‌شود.

اما آنچه در عمل رخ داد، دقیقاً برعکس بود. هرچه موتورهای بخار بی‌هینه‌تر شدند، مصرف کل زغال‌سنگ در اقتصاد بریتانیا افزایش یافت. این افزایش تصادفی و ناشی از خطای محاسباتی نبود، بلکه نتیجه مستقیم همان «عقلانیت فنی» بود که هدفش صرفه‌جویی در منابع بود. جونز نشان داد بهبود کارایی، هزینه استفاده از زغال‌سنگ را کاهش داد؛ کاهش هزینه، کاربردهای جدیدی را اقتصادی کرد و این گسترش کاربرد، مصرف کل را به‌شدت افزایش داد.

پارادوکس جونز را نمی‌توان با منطق خطی توضیح داد. در نگاه خطی، رابطه چنین است: کارایی بیشتر نهایتاً منجر به مصرف کمتر خواهد شد. اما در سیستم‌های اقتصادی اجتماعی، این رابطه از مسیر بازخوردها عبور می‌کند. ظرفیت کمتر، رابطه را به سمت نقطه بحرانی، یا حتی بدتر، بازمی‌گرداند. این دقیقاً همان منطق پارادوکس جونز است؛ افزایش کارایی ابزار (شبکه معابر)، به افزایش مصرف کل (ترافیک) منجر می‌شود.

**محورهای تهران-شمال: پارادوکس در مقیاس بین‌شهری**
همین الگو را می‌توان در پروژه‌های بزرگ‌مقیاس ملی نیز مشاهده کرد. پروژه اتوبان محور تهران-شمال، با هدف کاهش بار ترافیکی جاده‌های قدیمی و تسهیل دسترسی، با هزینه‌های هنگفت اجرا شد. انتظار این بود که با ایجاد مسیر جدید، فشار ترافیک کاهش یابد و سفرها روان‌تر شوند.

اما در عمل، در بسیاری از ایام پرتردد شاهد قفل ترافیکی هم‌زمان در چند محور هستیم؛ جاده‌های قدیمی، مسیرهای جایگزین و حتی خود محور جدید. به‌جای «توزیع ترافیک»، شاهد «تکثیر ترافیک» هستیم. دلیل این پدیده روشن است: کاهش هزینه و سختی سفر تقاضای سفر را افزایش می‌دهد. سفرهایی که پیش‌تر انجام نمی‌شدند، اکنون انجام می‌شوند؛ تعداد دفعات سفر بالا می‌رود و درزنیات، فشار کل بر شبکه حمل‌ونقل افزایش می‌یابد.

مشاهده می‌شود منطق مهندسی پشت پروژه‌ها معتبر بود، اما خطا در اینجااست که سیستم شهری به‌مثابه یک سیستم اجتماعی-رفتاری دیده نشده است. سیاستگذار ظرفیت فیزیکی را افزایش داد، اما بازخوردهای رفتاری، انگیزشی و مکانی را نادیده گرفته است. به همین دلیل، نتیجه نه حل مسئله، بلکه بازنویز آن در مقیاسی بزرگ‌تر بوده است. این همان وضعیتی است که «ایوان ایلچ»، فیلسوف پسانوسعه‌گرای اتریشی، نیز در نقد «راه‌حل‌های صنعتی برای مسائل اجتماعی» به آن اشاره می‌کند: راه‌حل‌هایی که خود، مسئله‌ای تازه می‌آفرینند.

**خدمات‌رسانی روستایی و بازخوردهای معکوس توسعه**

یکی از مهم‌ترین تجربه‌های سیاست توسعه در ایران پس از انقلاب، گسترش گسترده زیرساخت‌ها و خدمات عمومی به روستاها بوده است؛ سیاستی که همواره به‌عنوان یکی از دستاوردهای اصلی نظام جدید معرفی شده و هدف آن به‌طور روشن، بهبود کیفیت زندگی روستایی و مهار مهاجرت به شهرها عنوان شده است. در طول چند دهه، دسترسی به آب، برق، گاز و راه در بخش بزرگی از روستاهای کشور فراهم شد و از این نظر ایران در مقایسه با بسیاری از کشورهای درحال توسعه به سطح بالایی از پوشش خدمات روستایی رسید. انتظار طبیعی این بود که با کاهش شکاف رفاهی میان شهر و روستا، انگیزه ترک روستا کاهش یابد و تعادل جمعیتی حفظ شود.

اما هم‌زمان با این گسترش زیرساخت‌ها، روندی دیگر نیز به‌طور پیوسته و پرشتاب ادامه یافت: افزایش سهم

جمعیت شهری و تخلیه تدریجی روستاها. در فاصله چند دهه، جمعیت شهرنشین از کمتر از نصف جمعیت کشور به حدود سه‌چهارم رسید و هزاران روستا یا به‌طور کامل خالی از سکنه شدند یا کارکرد زستی و تولیدی خود را از دست دادند. این هم‌زمانی «بهبود امکانات» و «تشدید مهاجرت» تصادفی نبود و دقیقاً در همین نقطه است که منطق بازخوردها خود را نشان می‌دهد.

بردن زیرساخت به روستا صرفاً به‌معنای افزایش رفاه نبود؛ این سیاست، روستا را به‌طور ساختاری به شبکه شهری متصل کرد. جاده، برق، گاز و ارتباطات، فاصله مکانی و زمانی میان شهر و روستا را کاهش داد و مهاجرت را از یک تصمیم پرهزینه و پریریسک به گزینه‌ای در دسترس تبدیل کرد. دسترسی آسان‌تر به شهر، امکان رفت‌وآمد روزانه، آشنایی مستقیم با فرصت‌های شغلی و آموزشی و مقایسه رانمی سطح زندگی، شکاف میان «ماندن» و «رفتن» را به‌نفع گزینه دوم تغییر داد. در چنین شرایطی، سیاستی که قرار بود ماندگاری را تقویت کند، عملاً هزینه خروج را کاهش داد.

این کاهش هزینه، نخستین حلقه بازخورد را فعال کرد. خروج بخشی از جمعیت فعال، ظرفیت تولیدی روستا را تضعیف کرد؛ تضعیف تولید، وابستگی روستا به کالاها و خدمات شهری را افزایش داد و این وابستگی، انگیزه ماندن را بیش‌ازپیش کاهش داد. هر موج مهاجرت، شرایط موج بعدی را مهارت‌کرد. به‌این‌ترتیب، مهاجرت به صرفاً واکنشی به کمبود امکانات، بلکه نتیجه پویایی درونی سیستمی شد که خود سیاست توسعه آن را شکل داده بود.

هم‌زمان، تغییر دیگری نیز رخ داد که اغلب کمتر به آن توجه شده است. زیرساخت‌های جدید، روستاها را برای گروه‌هایی خارج از چرخه تولید جذاب کرد. سکونت فصلی، خانه دوم، ویلاسازی و کاربری‌های غیرمولد گسترش یافت. زمین و مسکن روستایی به دارایی و نه ابزار تولید تبدیل شد. در بسیاری از مناطق، روستاها و فضاهای نیمه‌خالی، فصلی یا مصرفی بدل شدند؛ جایی که حضور انسانی وجود دارد، اما حیات اقتصادی و اجتماعی پایدار دیگر وجود ندارد. این تغییر کارکرد، خود بازخوردی تازه ایجاد کرد؛ افزایش قیمت زمین، فروش دارایی توسط ساکنان بومی، خروج بیشتر جمعیت و تضعیف شبکه‌های اجتماعی محلی.

در مجموع، سیاست خدمات‌رسانی روستایی با یک پارادوکس توسعه‌ای مواجه شد. بهبود امکانات به‌جای تثبیت سکونت، به تسهیل خروج انجامید؛ اتصال به‌جای تقویت وابستگی، وابستگی را افزایش داد و رفاه نسبی به‌جای بازتولید حیات روستایی، آن را به حاشیه راند. این نتیجه نه حاصل فقدان نیت اصلاح‌گرانه بود و نه ناشی از نادانی سیاستگذار، بلکه پیامد نادیده‌گرفتن این واقعیت ساده است که در سیستم‌های اجتماعی، کاهش هزینه‌ها و افزایش کارایی، رفتارها را تغییر می‌دهد و این تغییر رفتار می‌تواند کل مسیر سیاست را معکوس کند.

در این معنا، تجربه روستاهای ایران نمونه‌ای روشن از پارادوکس ساده است که در مقیاس سرزمینی است؛ سیاستی که با منطق عقلانی و هدفی اصلاحی طراحی شد، از طریق بازخوردهای خودش، به نتیجه‌ای انجامید که دقیقاً خلاف نیت اولیه بود. توسعه وقتی به پویایی‌های بازگشتی توجه نکند، می‌تواند به‌تدریج همان چیزی را از میان ببرد که قصد حفظش را دارد.

**گازرسانی عمومی و منطق بازخوردهای ویرانگر**

یکی از مصادیق روشن پارادوکس جونز در سیاست‌های توسعه ایران را می‌توان در نهضت گازرسانی عمومی، به‌ویژه در مناطق روستایی، کوهستانی و کم‌تراکم مشاهده کرد. این سیاست از ابتدا با مفاهیمی چون عدالت انرژی، برابری در دسترسی و حتی حفاظت از محیط‌زیست صورت‌بندی شد. گاز طبیعی به‌عنوان سوخت پاک و معرفی شد که قرار بود هم کیفیت زندگی را بهبود بخشد و هم مصرف انرژی و فشار زیست‌محیطی را کاهش دهد.

اما این سیاست، همانند بسیاری از مداخلات توسعه‌ای دیگر، عمدتاً در سطح گسترش یک زیرساخت فنی باقی ماند و منطق بازخوردهای رفتاری و سیستمی آن کمتر مورد توجه قرار گرفت. گازرسانی به مناطق دورافتاده، در مرحله احداث، هزینه‌های بالای اقتصادی و زیست‌محیطی به‌همراه داشت؛ از تخریب زیست‌بوم‌های حساس تقاضای سفر را افزایش می‌دهد. سفرهایی که بااین‌حال، پیامدهای اصلی نه در مرحله اجرا، بلکه پس از بهره‌برداری و در سطح رفتار مصرف آشکار شد.

دسترسی گسترده و نسبتاً ارزان به گاز الگوی مصرف انرژی را به‌طور بنیادین تغییر داد. پیش ازآن، مصرف انرژی در بسیاری از جوامع محلی به‌طور طبیعی تحت محدودیت‌های فضای و رفتاری قرار داشت؛ گرم‌کردن فضاهای محدود، استفاده جمعی از منابع و نوعی خودتنظیمی که حاصل کمیابی بود. گازرسانی این محدودیت‌ها را حذف کرد و گرمایش آسان و مداوم را به هنجار بدل ساخت. نتیجه، افزایش سطح مصرف، تغییر الگوهای ساخت‌وساز و افزایش وابستگی به یک منبع متمرکز انرژی بود.

۱ سال بیست و یکم | شماره پیاپی ۳۳۱۳ | چهارشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۴ |

در اینجا منطق پارادوکس جونز به‌روشنی عمل می‌کند: بهبود دسترسی و سهولت مصرف نه به کاهش بلکه به افزایش مصرف کل منجر می‌شود. سوختی که قرار بود پاک‌تر باشد، از طریق افزایش حجم مصرف، فشار بیشتری برسیستم انرژی و محیط‌زیست وارد کرد و شبکه را در برابر نوسانات تقاضا آسیب‌پذیرتر ساخت. درنتیجه، حتی در زمستان‌هایی که از نظر اقلیمی شدید محسوب نمی‌شوند، نارتازی و اختلال در تأمین انرژی به پدیده‌ای تکرارشونده تبدیل شده است.

مسئله اصلی در این تجربه، نه نیت سیاستگذار و نه اصل دسترسی به انرژی است، بلکه نوع عقلانیتی است که توسعه را به گسترش یکنواخت یک شبکه فنی فرومی‌کاهد و تفاوت‌های اقلیمی، رفتاری و فضای را نادیده می‌گیرد. در چنین شرایطی، سیاستی که با هدف عدالت و بهبود طراحی شده، از طریق بازخوردهای خود به نتایجی منتهی می‌شود که دقیقاً خلاف انتظار اولیه است.

**انتقال آب: بازخوردهایی که پیش از اجرا عمل می‌کنند**
شاید گویاترین نمونه از نادیده‌گرفتن بازخوردها در سیاست‌های توسعه ایران را می‌توان در پروژه‌های انتقال آب بین‌حوضه‌ای مشاهده کرد. این پروژه‌ها معمولاً با این منطق توجیه می‌شوند که کمبود آب در برخی شهرها و مناطق را می‌توان با انتقال منابع از حوضه‌های دیگر جبران کرد؛ منطقی که در نگاه اول، فنی، عقلانی و حتی ناگزیر به نظر می‌رسد. انتقال آب قرار است بحران را مهار کند، ظرفیت زیست‌پذیری را بالا ببرد و امکان تداوم توسعه را فراهم سازد.

اما تجربه نشان داده است این سیاست، نه‌تنها پس از اجرا، بلکه حتی پیش‌ازآن نیز بازخوردهای خود را فعال می‌کند. صرف اعلام یا طراحی یک پروژه انتقال آب، به‌عنوان سیگنالی قدرتمند عمل می‌کند؛ شهر یا منطقه‌ای که قرار است آب به آن منتقل شود، «قابل توسعه» تلقی می‌شود. این تلقی، خود به موجی از تصمیم‌ها دامن می‌زند؛ از گسترش ساخت‌وساز و سرمایه‌گذاری گرفته تا تمرکز فعالیت‌های اقتصادی و اداری و در نهایت، جذب جمعیت بیشتر به‌این‌ترتیب، تقاضای آب افزایش می‌یابد، پیش از آن‌که حتی یک قطره آب منتقل شده باشد.

در چنین شرایطی، پروژه‌ای که قرار بود کمبود را جبران کند، به عاملی برای تشدید همان کمبود تبدیل می‌شود. وقتی آب به مقصد می‌رسد -اگر برسد- اغلب با تقاضایی روبه‌روست که در اثر همان پروژه، چند برابر شده است. نتیجه آن است که «اثر تسکینی» انتقال آب با بسیار کوتاه‌مدت است یا اساساً خثی می‌شود. این منطق نمونه‌ای کلاسیک از پارادوکس جونز در سیاست منابع آب است؛ افزایش عرضه، از طریق بازخوردهای جمعیتی، اقتصادی و فضایی، به افزایش تقاضای کل می‌انجامد. نکته مهم آن است که این الگو بارها و در مقیاس‌های مختلف تکرار شده، اما همچنان در سیاستگذاری آب کشور، به‌درستی درونی نشده است. انتقال آب، به‌جای آن‌که به‌عنوان مداخله‌ای پرسرعت و استثنایی دیده شود، به راه‌حلی عادی و تکرارشونده بدل شده است؛ راه‌حلی که در عمل، نوعی وابستگی ساختاری به «آب جدید» ایجاد می‌کند و مسیر مدیریت تقاضا، سازگاری با اقلیم و باتعریف الگوی توسعه را به تعویق می‌اندازد. در این معنا، پروژه‌های انتقال آب به‌فقط یک خطای اجرایی یا فنی، بلکه نمونه‌ای روشن از تصمیم‌گیری خطی در یک سیستم غیرخطی‌اند؛ تصمیم‌گیری که بازخوردهایش نه در حاشیه، بلکه در قلب مسئله عمل می‌کنند.

**یک الگوی تکرارشونده فراتر از محیط‌زیست**

آنچه در ترافیک، گازرسانی، خدمات‌رسانی روستایی و انتقال آب دیده می‌شود، با وجود تفاوت‌های موضوعی، از یک الگوی مشترک پیروی می‌کند. در همه این موارد، سیاست با نیتی اصلاحی و با تکیه بر عقلانیت فنی آغاز می‌شود، اما به‌دلیل نادیده‌گرفتن بازخوردهای رفتاری و سیستمی، به نتایجی می‌رسد که دقیقاً خلاف هدف اولیه است. این خطا، بیش از آن‌که به یک حوزه خاص محدود باشد، ریشه در شیوه‌ای از اندیشیدن دارد: خطی دیدن مسئله در بستری که ذاتاً غیرخطی است.

به همین دلیل، این الگو منحصر به سیاست‌های محیط‌زیستی یا منابع طبیعی نیست. کسانی که در حوزه‌های اقتصاد، فرهنگ، سیاست داخلی یا خارجی کار کرده‌اند نیز می‌توانند همین منطق را در میدان‌های دیگر شناسایی کنند؛ جایی که مداخله‌ای برای حل یک مسئله، از طریق بازخوردهای نادیده‌گرفته‌شده، خود به بخشی از مسئله تبدیل می‌شود. تفاوت حوزه‌ها، این منطق مشترک را تغییر نمی‌دهد؛ فقط شکل بروز آن را عوض می‌کند.

درزنیات، مسئله اصلی نه کمبود ابزار فنی است و نه فقدان نیت اصلاح‌گرانه، بلکه غیبت نگاه سیستمی در تصمیم‌های کلان است. تا زمانی که بازخوردها، تأخیرها و واکنش‌های انسانی به‌عنوان جزء جدایی‌ناپذیر سیاستگذاری دیده نشوند، توسعه همچنان مستعد آن خواهد بود که علیه خود عمل کند.



نوبت اول



هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ و ماده ۱۳۳ آیین نامه موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

برابر آراء صادره هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبتی ملک ثبت ملک بم تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضیان اولین آگهی به مدت دوماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم اصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد

املاک تقاضا شده واقع در بخش ۲۹ کرمان

قسمتی از پلاک ۱۹ فرعی از ۴ اصلی به نام اصغر دریجانی فرزند حسین ششدانگ یکبابمغازه به مساحت ۱۴٫۹۵ متر مربع واقع در خیابان ایت اله کاشانی بازار کردگاری بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت حسن کردگاری

قسمتی از پلاک ۴۴۲ اصلی به نام محمد حسینی فرزند غلام حسین ششدانگ یکبابمغازه به مساحت ۲۴٫۵۰ متر مربع واقع در خیابان پاسداران بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت محمود نوروزی زاده

قسمتی از پلاک یکفرعی از ۸۴۳ اصلی به نام علیرضا برنجی فرزند عوض ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۱۸٫۷۵ متر مربع واقع در میدان ارگ بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت ابوسازان برنجی

قسمتی از پلاک ۴۷ فرعی از ۱۰۴۱ اصلی به نام علی فرامرزیپور دارزینی فرزند احمد ششدانگ خانه به مساحت ۲۰۷ متر مربع واقع در خیابان مولوی کوچه ۸ بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت فاطمه رحیم پور راینی و محمد فرامرزیپور دارزینی قسمتی ازپلاک ۸۷ فرعی از ۱۰۴۱ اصلی به نام حمیده اماندادی کرکی فرزند اکبر ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۹۵٫۲۵ متر مربع واقع در خیابان مولوی بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت ابراهیم مشکی قسمتی از پلاک ۱۵۲ اصلی به نام محمدرضا سرحدی کوهشاهی فرزند رضا ششدانگ یکبابخانه با کاربری تجهیزات به مساحت ۳۶۴٫۸۵ متر مربع واقع در بم میدان زید خیابان شمس الدین ۱ بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت ابوالحسن نقیب

قسمتی از پلاک ۱۳۶۴ اصلی به نام کبری قربانی فرزند حسین ششدانگ خانه به مساحت ۱۰۷٫۵۶ متر مربع واقع در خیابان بوعلی غربی کوچه بعثت بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت غلامحسین مهین بهزادی

قسمتی از پلاک ۲۰۷۵ اصلی مجزی شده از پلاک های یکفرعی از ۲۰۷۵ اصلی و ۲۰۶۸ اصلی به نام مینا دهقان زاده فرزند علیرضا ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۶۵ متر مربع واقع در خیابان بوعلی کوچه ۲۲ بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت طیبه دهقان زاده

قسمتی از پلاک یکفرعی از ۲۲۰ اصلی به نام فاطمه صابری نارتیچی فرزند رضا و ایمان محببان فرزند حسین هر کدام نسبت به سه دانگ از ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۹۱٫۸۵ متر مربع واقع در خیابان دلگشا چهارراه ملاصدرا بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت مریم قاسمی

قسمتی از پلاک یکفرعی از ۲۲۲۴ اصلی به نام جواد معماری فرزند غلامرضا ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۴۳۱ متر مربع واقع در بم چهارراه ملاصدرا بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت طیبه بنی اسدی

## سازمان ثبت‌اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت‌اسناد و املاک استان کرمان اداره ثبت اسناد و املاک شهرستان بم

قسمتی از پلاک ۳ فرعی از ۲۲۷۳ اصلی به نام فاطمه دهقانی زاده فرزند حسین ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۱۵٫۱۶ متر مربع واقع در خیابان تختی بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت شهربانو رنجبر

قسمتی از پلاک ۳ فرعی از ۲۲۷۳ اصلی به نام رسول دهقانی پشت رودی فرزند احمد ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۱۷٫۹۵ متر مربع واقع در خیابان سخائی کوچه ۶ بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت علی رنجبر

قسمتی از پلاک ۲۸۱۰ اصلی به نام عباس رستم زاده مهدابی فرزند ماشاله ششدانگ یکبابخانه با کاربری تجاری به مساحت ۳۳۶٫۳ متر مربع واقع در خیابان کشاورز بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت محمدعلی فروتن

قسمتی از پلاک ۲۸۱۰ اصلی به نام عباس رستم زاده مهدابی فرزند ماشاله ششدانگ مغازه مشتمل بر محوطه به مساحت ۴۳۷ متر مربع واقع در خیابان کشاورز بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت محمدعلی فروتن

قسمتی از پلاک یکفرعی از ۲۸۴۴ اصلی به نام عباس بی غم فرزند علی ششدانگ خانه باغچه باکاربری خانه باغ به مساحت ۱۸۲۳ متر مربع واقع در بم خیابان چمران بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت محمد بی غم

قسمتی از پلاک ۲۹۴۰ اصلی به نام زهرا بی غم فرزند اصغر ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۹۶٫۶ متر مربع واقع در خیابان چمران بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت ربابه صادری

قسمتی از پلاک ۴۹۱ فرعی از ۳۵۶۹ اصلی به نام زهرا علیمرادی جرجندی فرزند محمد ششدانگ خانه به مساحت ۱۶۳ متر مربع واقع در بم خیابان حافظ بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت ناصر افغانی پور

قسمتی از پلاک ۳۰۷۴ اصلی به نام محمد باقر غضنفرآبادی فرزند موسی ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۱۷۱۵ متر مربع واقع در کمربندی مهداب بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت اصغر ومعصومه و طاهره گوری بمی قسمتی از پلاک ۳۸۲۵ اصلی به نام بتول بهرامی فرزند محمد ششدانگ خانه به مساحت ۳۱۲٫۷۸ متر مربع واقع در بم خیابان بهشتی بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت حسن باقری زاده قسمتی از پلاک ۴۱۳۶ اصلی به نام نصرت کاظمی پور برواتی فرزند عوض ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۳۲۴۲٫۳۵ متر مربع واقع در بروات بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت ابراهیم درویش وکیل آبادی

قسمتی از پلاک ۳ فرعی از ۴۱۴۵ اصلی به نام مجتبی حیدری مهدابی فرزند محمد ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۸۰٫۸ متر مربع واقع در خیابان شهید بهشتی باغخان بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت حسن علیزاده باغخانی

قسمتی از پلاک ۴۴۳۸ اصلی به نام صادق رنجبر فرزند حسن ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۶۵۸٫۱۷ متر مربع واقع در خیابان امام رضا بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت ورثه عباس بهرامی قسمتی از پلاک ۴۷۹۱ اصلی مجزی شده از پلاک های یکفرعی از ۴۷۹۱ اصلی و ۲۱ فرعی از ۴۷۷۵ اصلی و ۴۷۷۵ اصلی به نام خدابخش صدیقی زاده فرزند جهانگیر ششدانگ یکبابمغازه به مساحت ۱۷۶٫۵ متر مربع واقع در خیابان طالقانی بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت اصغر طاهرینیا و اکبر طاهرینیا و محمد ابراهیم عامری

قسمتی از پلاک باقیمانده یکفرعی از ۴۷۹۱ اصلی به نام یاس صدیقی فرزند مهدی ششدانگ مغازه به مساحت ۳۶٫۵ متر مربع واقع در خیابان طالقانی بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت اکبر طاهرینیا و اصغر چهل تخمی

قسمتی از پلاک ۴۷۹۱ اصلی مجزی شده از پلاک های یکفرعی از ۴۷۹۱ اصلی و ۲۱ فرعی از ۴۷۷۵ اصلی و ۴۷۷۵ اصلی به نام خدابخش صدیقی زاده فرزند جهانگیر ششدانگ یکبابمغازه مشتمل بر طبقه فوقانی به مساحت ۱۷۲٫۲۱ متر مربع واقع در کمربندی طالقانی مهداب بخش ۲۹ کرمان از مورد مالکیت اصغر طاهرینیا و

بهرامی فرزند محمد ششدانگ خانه به مساحت ۲۹۳٫۷۶ متر مربع واقع در بم خیابان شهید بهشتی کوچه ۱۹ بخش ۳۱ کرمان از مورد مالکیت محمد بهرامی

قسمتی از پلاک ۱۵۹۶ اصلی به نام فاطمه بیدرانی فرزند اصغر ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۸۱٫۰۷ متر مربع واقع در بم امیرآباد بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت اصغر بیدرانی

قسمتی از پلاک ۳ فرعی از ۲۲۱۹ اصلی به نام مظهره رنجبر فرزند عباس در سه دانگ از ششدانگ باغ باکاربری دایر مزروعی به مساحت ۲۲۵۳٫۷۰ متر مربع واقع در بم روستای باغچمک بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت مشاعی خود متقاضی

قسمتی از پلاک ۳ فرعی از ۲۲۱۹ اصلی به نام فاطمه رنجبر فرزند عباس در سه دانگ ازششدانگ باغ باکاربری دایر مزروعی به مساحت ۲۲۵۳٫۷۰ متر مربع واقع در بم روستای باغچمک بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت مشاعی خود متقاضی

قسمتی از پلاک ۲۳۰۶ اصلی به نام زهره دهقان باغچمکی فرزند قربانعلی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۶۴۸٫۱۵ متر مربع واقع در بم باغچمک بلوار علمدار جنب مسجد ابوالفضل بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت پیداله فرامرزیپور دارزینی

قسمتی از پلاک ۱۸ فرعی از ۳۰۸۵ اصلی به نام محمد جزینی زاده فرزند اسفندیار ششدانگ خانه به مساحت ۳۴۵٫۴۰ متر مربع واقع در بم خیابان امیر کبیر بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت محمد مصلح املاک تقاضا شده واقع در بخش ۳۱ کرمان

قسمتی از پلاک یکفرعی از ۱۱۸۵ اصلی به نام مهری صنعتی فرزند حسین ششدانگ سردخانه با کاربری مزروعی به مساحت ۱۹۶۰٫۸ متر مربع واقع در بروات بخش ۳۱ کرمان از مورد مالکیت بی بی فاطمه سجادی

قسمتی از پلاک ۱۳۱۵ اصلی به نام عباس وحید زاده رحمت آبادی فرزند علی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۹۹٫۱۵ متر مربع واقع در بروات بخش ۳۱ کرمان از مورد مالکیت احمد و محمد تدین

قسمتی از پلاک ۱۳۱۵ اصلی به نام عباس وحید زاده رحمت آبادی فرزند علی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۹۹٫۱۵ متر مربع واقع در بروات بخش ۳۱ کرمان از مورد مالکیت احمد و محمد تدین

قسمتی از پلاک ۲۶۱۴ اصلی به نام پیمان قلعه خانی فرزند حسن ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۴۰۱٫۷۴ متر مربع واقع در بروات بخش ۳۱ کرمان از مورد مالکیت صغری سامنژاد

قسمتی از پلاک ۲۹۷۱ اصلی به نام زهرا رضائی زاده برواتی فرزند حسین و سید عبدالله الهه‌یی برائی فرزند سید حسین هرکدام نسبت به سه دانگ از ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۰۱٫۷۴ متر مربع واقع در بروات بخش ۳۱ کرمان از مورد مالکیت محمد کاشفی برواتی

قسمتی از پلاک یکفرعی از ۳۰۳۷ اصلی به نام نصرت کاظمی پور برواتی فرزند عوض خمینی بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت حسین صفرزاده پشترودی

قسمتی از پلاک ۳۶۳ فرعی از ۴۷۲ اصلی به نام کبری صفرزاده پشترودی فرزند حسین ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۳۴۳٫۵۵ متر مربع واقع در پشترود بلوار مصطفی خمینی بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت مریم دهقانی پشترودی

قسمتی از پلاک ۳۶۳ فرعی از ۴۷۲ اصلی به نام رویا لرستانی نژاد فرزند غلامرضا ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۲۵۲٫۸۸ متر مربع واقع در پشترود خیابان مصطفی خمینی بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت ورثه مریم دهقانی پشترودی

قسمتی از پلاک ۳ فرعی از ۷۵۷ اصلی به نام مهدی دهشت فرزند محمود ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۴۳٫۷۵ متر مربع واقع در بم اسفیکان بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت محمود دهشت

قسمتی از پلاک ۸۳۷ اصلی به نام مهرداد قربان پور فرزند روح اله ششدانگ خانه به مساحت ۲۴۲٫۵۷ متر مربع واقع در بم روستای تمیک بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت حسن زارع پور

قسمتی از پلاک ۱۱۲۸ اصلی به نام مهین بیگ زاده فرزند رحمن ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۵۵۱٫۹۰ متر مربع واقع در دهبکری خیابان ولیعصر بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت چراغعلی افشارمنش

قسمتی از پلاک ۱۲۱۶ اصلی به نام یاس صدیقی فرزند مهدی ششدانگ یکبابخانه

به مساحت ۲۷۸٫۸۵ متر مربع واقع در خیابان شهید بهشتی بخش ۳۰ کرمان از مورد مالکیت عباس بهرامی

قسمتی از پلاک ۱۳۳۸ اصلی به نام حسین

واقع در رستم آباد نرماشیر بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت عصمت زابلی قسمتی از پلاک ۱۰۲۸ اصلی به نام سکینه ازاد روش فرزند علی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۵۱ متر مربع واقع در رستم آباد بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت حسین زابلی

قسمتی از پلاک ۲۱۲۴ اصلی به نام صادق جهانی فرزند ایرج ششدانگ خانه به مساحت ۳۰۶٫۵۱ متر مربع واقع در نرماشیر روستای اسداباد بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت نوریچان اسدابادی

قسمتی از پلاک ۲۷۱۵ اصلی به نام رامین علیمرادی جرجندی فرزند موسی ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۳۶۶۰٫۹۲ متر مربع واقع در نرماشیر روستای کنجا بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت احدی از مالکین اولیه

قسمتی از پلاک ۲۷۱۵ اصلی به نام حسین علیمرادی جرجندی فرزند اکبر ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۳۷۴۸٫۹۸ متر مربع واقع در نرماشیر روستای کنجا بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت احدی از مالکین اولیه

قسمتی از پلاک ۲۷۱۵ اصلی به نام حسین علیمرادی جرجندی فرزند اکبر ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۳۵۷۵٫۴۵ متر مربع واقع در نرماشیر روستای کنجا بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت احدی از مالکین اولیه

قسمتی از پلاک ۲۷۸۳ اصلی به نام حسین علیمرادی فرزند غلامرضا ششدانگ زمین زراعی به مساحت ۲۲۲۳٫۷۵ متر مربع واقع در نرماشیر روستای باغ بالا بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت احدی از مالکین اولیه

قسمتی از پلاک ۳۸۶۷ اصلی به نام علی احمدی کروکی فرزند ابراهیم ششدانگ یکقطعه باغ با کاربری زراعی به مساحت ۴۵۹۵ متر مربع واقع در روستای برز رفیع آباد بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت محمد احمدی

قسمتی از پلاک ۴۰۸۷ اصلی به نام علی خورشیدی جلالی فرزند حسین ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۹۶۲۱ متر مربع واقع در محمد آباد شیخ بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت مصطفی عرب

قسمتی از پلاک ۴۱۵۳ اصلی به نام سکینه سیستمانی قصری فرزند داود ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۰۹۲٫۴۳ متر مربع واقع در نرماشیر روستای قصر بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت علی فروتن

قسمتی از پلاک ۴۱۷۲ اصلی به نام عباس نیک افکار فرزند محمد ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۴۵۲۷٫۸ متر مربع واقع در نرماشیر روستای جنت آباد بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت محمد زابلی دهنوی

قسمتی از پلاک ۴۱۸۷ اصلی به نام مسعود باقریان فرزند محمود ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۴۸۵۰ متر مربع واقع در نرماشیر روستای محمدآباد آیشیرین بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت شوکت السادات ظهیر

قسمتی از پلاک ۴۱۸۷ اصلی به نام مسعود باقریان فرزند محمود ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۳۶۷۷٫۸ متر مربع واقع در نرماشیر بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت ابراهیم نخعی

قسمتی از پلاک ۴۱۸۷ اصلی به نام محمد بدرآبادی فرزند عوض ششدانگ خانه به مساحت ۴۵۱ متر مربع واقع در بم نرماشیر بدرآباد بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت سیدعلی سجادی

قسمتی از پلاک ۴۱۸۷ اصلی به نام عصمت دستان قلعه خانی فرزند پنجعلی ششدانگ باغ و منزل مسکونی به مساحت ۲۹۶۳٫۳۶ متر مربع واقع در نرماشیر روستای جنت آباد بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت شوکت السادات ظهیر

قسمتی از پلاک ۴۲۱۹ اصلی به نام طاهره رضائی زاده فرزند مرتضی ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۱۳۷ متر مربع واقع در نرماشیر روستای فردوسیبه بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت سروش سروشیان

قسمتی از پلاک ۴۵۶۱ اصلی به نام هادی ملکیان فرزند محمد ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۷۱۳۹٫۶ متر مربع واقع در نرماشیر روستای سعادت آباد گلشن بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت داود پور منعمی

قسمتی از پلاک ۴۵۶۳ اصلی به نام فرساد فدائیان فرزند عبدالرضا ششدانگ یکقطعه باغ به مساحت ۱۷۶۸٫۳۹ متر

مربع واقع در نرماشیر روستای سعادت آباد بخش ۳۲ کرمان از مورد مالکیت داود پورمنعمی

قسمتی از پلاک ۵۱۰۴ اصلی به نام محمد حسین خدآوردی فرزند سهراب ششدانگ خانه به مساحت ۱۳۶۰٫۷۰ متر مربع واقع در نرماشیر قطب آباد بخش ۳۲ کرمان از

مورد مالکیت اله مراد خدآوردی

املاک تقاضا شده واقع در بخش ۳۳ کرمان

قسمتی از پلاک ۱۲۸۴ اصلی به نام فاطمه افشاری پور فرزند علی ششدانگ یکقطعه باغچه به مساحت ۸۱۶٫۷۹ متر مربع واقع در دهبکری خیابان انقلاب بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت نورعلی وطن خواه و غلامرضا افشارمنش

قسمتی از پلاک ۲۹۴ اصلی به نام لیلا سالاری فرزند عنایت اله ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۱۵۵ متر مربع واقع در بم دهبکری انتهای خیابان گلستان بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت ماه نسا افشاری پور

قسمتی از پلاک ۲۹۶ اصلی به نام سید عبدالرضا موسوی بمی فرزند سید مهدی ششدانگ یکبابخانه با کاربری باغ به مساحت ۷۰۹٫۱۵ متر مربع واقع در دهبکری خیابان شهید افشارمنش بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت محمد ایزد پناه بهزادی

قسمتی از پلاک ۵۱۰ اصلی به نام علی مهربانی فرزند محمدحسن ششدانگ

یکبابخانه به مساحت ۲۴۹٫۶۹ متر مربع واقع در دهبکری خیابان افشارمنش بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت حشمت اله بهزاد پور

قسمتی از پلاک ۵۷۴ اصلی به نام مژگان رحمانیان فرزند قاسم ششدانگ یکبابخانه باکاربری باغی به مساحت ۲۹۰٫۶۵ متر مربع واقع در دهبکری جدکان خیابان خلیج فارس بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت لطفی قاسمی

قسمتی از پلاک ۶۳۸ اصلی به نام نیلوفر برائی نژاد فرزند احمد ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۴۸۴٫۶۸ متر مربع واقع در بم دهبکری بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت فاطمه افشاری پور

قسمتی از پلاک ۶۶۵ اصلی به نام اصغر رحیمی صفات فرزند حبیب اله ششدانگ خانه به مساحت ۳۰۸٫۳۰ متر مربع واقع در بم دهبکری بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت غلامحسین افشارمنش

قسمتی از پلاک ۸۹۳ اصلی به نام رضا ده شتری فرزند شمسعلی ششدانگ باغچه با کاربری مسکونی به مساحت ۳۶۸٫۱۲ متر مربع واقع در دهبکری سر میدان بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت غلامحسین افشاری

قسمتی از پلاک ۸۹۳ اصلی به نام رضا شتری فرزند شمسعلی ششدانگ خانه به مساحت ۴۲۰٫۱۲ متر مربع واقع در دهبکری سر میدان بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت غلامحسین افشاری پور

قسمتی از پلاک ۲۸۰۵ اصلی به نام رضا حسن خانی صفات فرزند حسین ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۲۵۹٫۴ متر مربع واقع در دهبکری سرپشت بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت سلیمان خان عامری

قسمتی از پلاک ۶۱۰ فرعی از ۳۱۰۳ اصلی به نام حمیدرضا صدیقی فرزند خیراله ششدانگ یکقطعه باغچه به مساحت ۱۰۵۵٫۹۱ متر مربع واقع در دریچان بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت عزیزالله صدیقی دریچانی

قسمتی از پلاک ۳۳۳۲ اصلی به نام عزت اله رثیسی جز صالح فرزند شهریار ششدانگ یکبابخانه به مساحت ۳۰۳٫۸۴ متر مربع واقع در دهبکری بخش ۳۳ کرمان از مورد مالکیت علی سیدی مرغکی

**تاریخ انتشار نوبت اول:۱۰/۱۰/۱۴۰۴**

**تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۰/۲۵/۱۴۰۴**

**بهبروز برائی نژاد**

**رییس اداره ثبت اسناد و املاک**

**شهرستان بم**

**شناسه آگهی:۲۰۸۵۱۶۷**



**نشست**

**بررسی «عرصه مقاومت خلاقانه در زیست شهری» در یک نشست**

**بازپس‌گیری شهر با هنر غیررسمی**



کتیا زنگ

فضای عمومی همیشه فقط محل عبور تماشا یا مصرف نبوده است؛ جایی بوده زری دیده‌شدن، اعتراض‌کردن و ساختن معنا. خیابان، میدان و دیوارها در طول تاریخ به بسترکنش‌های مدنی و سیاسی بدل شده‌اند؛ از نخستین حکاکای‌های اعتراضی قرن هجدهم گرفته تا پوسترها، گرافیتی‌ها و مداخلات شهری امروز. هنر غیررسمی و هنر اعتراضی دقیقاً در همین فضاها و در دل زیست روزمره و در تماس مستقیم با شهر و بدن‌های ساکن آن شکل گرفته‌اند. پیش از عصر دیجیتال، چاپ و تصویرسازی با قابلیت تکثیر بالا، پیام‌های اعتراضی را منتقل می‌کردند و همراه با روایت‌های شفاهی، داستان از قدرت، خشونت و مقاومت می‌ساختند. امروز ابزارها تغییر کرده‌اند، اما منطق کنش باقی است: مداخله در فضا برای بازگرداندن صدا به کسانی که حذف شده‌اند. در این میان، زیست شهری به عرصه‌ای تعیین‌کننده برای مقاومت خلاقانه تبدیل شده است. شهر نه فقط پس‌زمینه هنر، بلکه میدان اصلی آن است. انجمن علمی مطالعات شهری دانشگاه تهران با همکاری گروه جامعه‌شناسی شهر روز یکشنبه، هفتم دی‌ماه، نشست با موضوع «هنر غیر رسمی: عرصه مقاومت خلاقانه در زیست شهری» برگزار کرد. در این نشست که دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران میزبان آن بود «پوریا جهان‌شاد»، پژوهشگر مطالعات انتقادی شهر، از زیست شهری به میدان مقاومت خلاقانه صحبت کرد.



اصدف سرداری | روزنامه‌نگار

معاصر، پرسشی اساسی مطرح می‌کند: چگونه می‌توان خلاقیت سیاسی را دوباره به عرصه شهری بازگرداند؟ برای پاسخ به این سؤال، نوعی جامعه‌شناسی تازه شکل گرفته است: جامعه‌شناسی زیبایی‌شناسی غیررسمی‌بودگی. برخلاف جامعه‌شناسی کلاسیک هنر که سلبی و نظری است، این نگاه ایجابی و عملی است و زندگی روزمره را محلی برای تجربه زیبایی‌شناسی می‌داند؛ زیبایی‌ای که می‌تواند سیاسی و حتی برای نظام‌های استبدادی تهدیدآمیز باشد. از دل این رویکرد، مفهوم «زیست غیررسمی شهری» متولد شد: «شیوه‌ای تازه برای زندگی و کنش در فضاهای شهری، هم‌زمان، جنبش‌های آتارشیستی معاصر در برابر جهانی‌سازی و کنترل فضا، نمونه‌هایی از هنر به‌مثابه مقاومت و عمل خلاق ارائه می‌کنند؛ تجربه‌ای که زیستن را به هنر بدل می‌کند و هنر را از محدودیت موزه‌ها و سازوکارهای کنترلی‌رها می‌سازد.»

**پیوندها هنر با زندگی روزمره**

به‌گفته جهان‌شاد، در اجرایی که پیوند زندگی روزمره با بدن و عرصه‌های سیاسی و اجتماعی را

نشان می‌دهند، هنر خود را در دل زندگی جاری می‌کند: «نمونه‌های جهانی این نوع کنش، به‌ویژه در نقد تبعیض و فمینیسم لیبرال دیده می‌شوند. در این بستر، شهر و فضای عمومی اهمیت حیاتی می‌یابند، زیرا زیست روزمره میدان واقعی تجربه و مقاومت است.» «هانری لوفور»، جامعه‌شناس، این تجربه را در سه بعد اصلی می‌بیند: «فصامندی، جامعه‌مندی و تاریخ‌مندی. از نگاه او، فضا کمیتی قابل مبادله نیست؛ جایی است که تولید می‌شود و هم‌زمان چیزهایی در آن شکل می‌گیرد. برخی فضاها، مانند مکان‌هایی که استثمار نشده یا ارزش استثمار نداشته‌اند، به محل زندگی و مقاومت بدل می‌شوند. این فضاهای باقیمانده، نقطه‌ای هستند که هنر و زیست غیررسمی می‌تواند آزادانه ظهور کند و مقاومت‌کنند.»

فضا برای رفاه عمومی، چارچوبی کنترل‌گراانه ایجاد می‌کنند که آزادی و خلاقیت در تجربه شهری را تحت فشار قرار می‌دهد. در چنین فضایی، هنر و کنش خلاق، ابزارهایی حیاتی برای بازپس‌گیری و بازآفرینی زیست روزمره و مقاومت در برابر نظم‌های حاکم محسوب می‌شوند.» اما سؤال اصلی این است که زندگی روزمره چگونه در برابر این وضعیت مقاومت می‌کند: «تن‌ندادن به نظم، یعنی دیالوگ‌کردن با بدن شهر از یک طرف با شهر به‌مثابه یک بدن زنده روبه‌رو هستیم و از طرف دیگر با «پراکسیس»؛ یعنی کنش. این کنش لزوماً به‌معنای هنر به‌شکل متعارف نیست، بلکه می‌تواند خود زیستن باشد؛ زیستنی که خودش به هنر تبدیل می‌شود.» در اینجا پیوندی شکل می‌گیرد میان تجربه شهر و تجربه خلاقانه: «تجربه‌کردن خود شهر، به‌مثابه یک عمل خلاق. برای تحلیل این وضعیت، دو مفهوم کلیدی وجود دارد. نخست «جامعه‌نمایش»؛ چراکه زندگی امروز زندگی‌ای نمایشی شده است. فرض کنید وارد یک هتل می‌شوید، اولین کاری که می‌کنید این است که اطرافتان را می‌بندید یا به حریم شخصی خود افتخار می‌کنید که همسایه‌ها را نمی‌شناسید. این تمیزشدن، نسبت مستقیمی دارد با کالایی‌شدن زندگی، بوروکراتیزه‌شدن فضا و ازهم‌گسیختگی پیوندهای شهری.»

**خاطره‌زایی شهر را نبود می‌کند**

جهان‌شاد معتقد است اگر سازوکارها را نشناسیم، صحبت‌کردن از هنر غیررسمی به این تقلیل پیدا می‌کند که «مجاز نادره»: «درحالی‌که استراتژی اصلی برخی جنبش‌ها، حذف هنر به‌عنوان کالای فردی و تزئینی و تبدیل زندگی به میدان مبارزه بود. در دهه ۱۹۶۰ گروه‌هایی معتقد بودند هنرمند حق ندارد چیزی به‌نام «اثر هنری» تولید کند؛ زیرا باید مسیر انقلاب باشد. او در بخش دیگری از صحبت‌های خود گفت یکی از اساسی‌ترین استراتژی‌های کنشگری، «ساخت موقعیت» بود که از طریق پرسه‌زنی در شهر اتفاق می‌افتاد: «این کنشگران با حرکت در شهر، تأثیرات فضا بر ذهن و بدن را می‌خواندند و نقشه‌هایی تولید می‌کردند که به آنها «نقشه‌های روان‌جغرافیایی» می‌گفتند. این نقشه‌ها نشان می‌دادند شهریک کل یکپارچه نیست؛ برخی فضاها دارای بار عاطفی و اتمسفری خاصی‌اند.» این نقشه‌ها بعداً به «نقشه‌های تاکتیکی» تبدیل شدند: «نقشه‌هایی برای تغییر وضعیت، مثلاً در نقشه‌ای از پاریس در سال ۱۹۵۸، محله‌هایی که در جریان نوسازی روح شهری را از بین برده بودند، حذف شده‌اند. فضاهای فقیر، کنفی و به‌اصطلاح «بی‌ارزش» اما به‌عنوان فضاهای زنده و باقوه دیده شده‌اند.» جهان‌شاد توضیح داد تجربه شهر ربطی به زیبایی‌بکدست ندارد؛ چراکه شهر حافظه دارد: «آنچه شهر را نابود می‌کند، خاطره‌زدایی است. بدون حافظه، مبارزه ممکن نیست. شهر باید طوری ساخته شود که امکان یادآوری را حفظ کند. نقشه، در اینجا نقشه مقاومت و پیوستگی است.» بسیاری از جنبش‌های اجتماعی شکست خوردند، چون نقشه نداشتند: «نقشه‌ای که نشان دهد کجا جمع شوند، چطور هم‌دیگر را پیدا کنند، چگونه فضا را دور بزنند، نقشه، ابزاری است که همیشه در دست حاکمیت بوده، اما می‌تواند به ابزار انقلابی بدل

شود؛ نقشه‌هایی که از پایین و به‌صورت مشارکتی ساخته می‌شوند.»

**هنر خیابانی ذاتاً غیرطبقی است**

اما چرا به این وضعیت رسیدیم؟ جهان‌شاد توضیح داد شکست جنبش‌های دانشجویی، گذار از دولت رفاه به اقتصاد مالی و سرکوب ایده‌های رادیکال فضایی، زمینه را برای نظریه‌های جایگزین فراهم کرد: «یکی از آن ایده‌ها، نظریه کنش ارتباطی هابرماس بود؛ ایده‌ای خوش‌بینانه درباره‌گفت‌وگو برابر، اما این نظریه تفاوت‌های طبقاتی، جنسیتی و نژادی را نادیده می‌گرفت. همه امکان برابر برای دیالوگ ندارند.»

باین‌حال این ایده در هنر نفوذ کرد: «از دل آن، «هنر دموکراتیک» و «هنر رابطه‌ای» شکل گرفت؛ هنرهایی که مدعی پیکردن شکاف‌های سرمایه‌داری بودند. اما در عمل، سیاست به‌جای تغییر زیبایی‌شناختی شد. هنر جای جامعه و شهر را گرفت و فضاهای موقتی به‌ظاهر دموکراتیک ساخت؛ فضاهایی که بیشتر نمایش بودند تا زیست واقعی. این همان چیزی است که «ولتر بنیامین» از آن به‌عنوان «زیبایی‌شناختی‌کردن سیاست» یاد می‌کند. سیاست‌های کنترل و سرکوب، به‌جای زور عریان، از طریق هنر اعمال می‌شوند. هنر شهری ظاهراً انتقادی، در خدمت نظم لیبرال‌دموکراتیک قرار می‌گیرد.» در این دوره‌ها هنر به ماسکی برای واقعیت اجتماعی تبدیل شد: «نمونه‌هایی مثل اشغال موقت محله‌های کارگری، میتینگ‌های نمادین یا پروژه‌های مشارکتی کوتاه‌مدت که اغلب به نفع طبقه اجتماعی متوسط فرهنگی تمام می‌شوند؛ زیرا به آنها فضایی می‌داد تا بتوانند تجمع کنند و حرفشان را بزنند که راضی‌شان می‌کرد.» از دیدگاه جهان‌شاد، موسیقی خیابانی، گرافیتی، تئاتر خیابانی و پرفورمنس، ذاتاً عمومی و غیرطبقی‌اند: «اما وقتی به گالری، مرکز خرید یا پروژه رسمی منتقل می‌شوند، از کنش سیاسی به فعلیاتی خنثی و طبقه‌متوسطی بدل می‌شوند. شهر خالی می‌شود.» می‌توان این‌چنین برداشت کرد که زیباسازی شهری، اسم رمز خاطره‌زدایی است: «پشت دیوارهای رنگی، نابرابری پنهان می‌شود. فرهنگ و هنر به ابزار خصوصی‌سازی منابع عمومی و کنترل اجتماعی تبدیل می‌شوند. ساخت پاتوق‌های شهری از بالا، یعنی هدایت مردم به فضاهای کنترل‌شده؛ جایی که دوربین نصب و رفتار تنظیم می‌شود. اما بدون حافظه، بدون نقشه و بدون بازپس‌گیری فضا از منطق زیبایی‌شناختی کنترل، امکان تغییر وجود ندارد.» در چنین شرایطی است که هنر غیررسمی و زیست غیررسمی اهمیت پیدا می‌کند: «بسیاری از آنچه ما امروز به‌عنوان کنش خلاقانه می‌شناسیم، از دل زندگی روزمره آمده است؛ از شبکه‌های غیررسمی، از بدن‌ها، از محله‌ها. زیستن خودش به هنر تبدیل می‌شود. اما درست در همین نقطه است که خطر مصادره وجود دارد. وقتی این کنش‌ها را به‌عنوان «اثر هنری» رسمی ثبت می‌کنیم، آنها را از زمینه زیسته‌شان جدا می‌کنیم.»

**جهان**

**شهرها برای شاد بودن به طبیعت نیاز دارند**

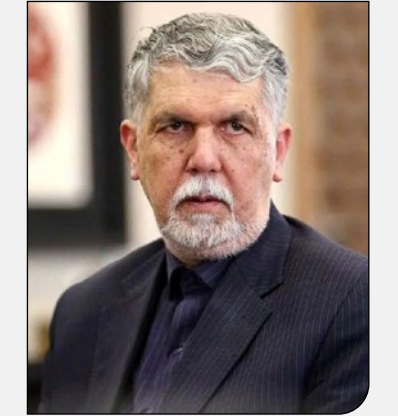
طبیعت، این مستند را تبدیل به سفری شخصی و عمیق به قلب لندن کرده است. او اهمیت پارک ریچموند و دیگر فضاهای سبز را در زندگی خود باگرو می‌کند و یادآور می‌شود حتی در شهری پرجمعیت، حیات‌وحش و طبیعت می‌توانند حضور داشته باشند و کیفیت زندگی انسانی را غنی‌تر کنند. این مستند تأکید می‌کند حفاظت از طبیعت شهری، نه‌تنها یک ضرورت محیط‌زیستی، بلکه یک نیاز انسانی و اجتماعی است. انثروبار دیگر پیامش را روشن می‌کند: شهرها برای شادی و سلامت خود به طبیعت نیاز دارند و هر فردی می‌تواند بخشی از این پیوند را بازسازی و تقویت کند.



**حاشیه**

**توضیح وزیر ارشاد درباره گرانی روزافزون قیمت بلیت کنسرت‌ها دولت از مداخله در قیمت‌گذاری منع شده است**

وزیر فرهنگ و ارشاد روز سه‌شنبه، نهم دی، در حاشیه مراسم رونمایی از پروژه موسیقیایی «ایرانمرد» به پرسش‌های خبرنگاران درباره تحولات و حواشی حوزه فرهنگ و هنر پاسخ داد. «سید عباس صالحی»، درباره دلخوری‌های اخیر «شهرام ناظری»، استاد برجسته موسیقی ایرانی، و برخی اظهارات او درباره مولانا توضیح داد: «استاد ناظری از مفاخر مؤثر و ارزنده موسیقی ایرانی هستند و طی سال‌های گذشته فعالیت‌های ارزشمندی در عرصه موسیقی داشته‌اند. ما همواره در خدمت این هنرمند بزرگوار هستیم. اما مشخص است که ایشان از فضایی که در حوزه فرهنگ و هنر وجود دارد دلخور است؛ فضایی که نتوانست دل او را به دست بیاورد.» وزیر فرهنگ افزود ناظری یکی از چهره‌های مؤثر موسیقی ایران بوده و است و تأکید کرد وزارت فرهنگ همواره در کنار او خواهد بود.



صالحی همچنین به بحث‌های جهانی درباره مولانا اشاره کرد و گفت: «اینکه کورهای مانند ترکیه تلاش می‌کنند تا مولانا را معرفی کنند، مایه افتخار است. مولانا شاعر انسانی و جهانی و برخاسته از ایران است و تمام تلاش‌هایی که جهانیان برای انجام می‌دهند، نوعی قدرانی از انسانیت و هنر ایرانی است.» او ادامه داد: «آقای ناظری نیز به همین نکته اشاره کرده‌اند. اما به‌رحال باید توجه داشته باشیم که قدرانی از مفاخر ملی، در جمله مولانا، مسئولیت اصلی ماست و باید بیش از هر جای دیگر در کشور خودمان به این موضوع اهمیت دهیم.» وزیر فرهنگ و ارشاد در پاسخ به پرسشی درباره وضعیت معاونت امور هنری وزارت فرهنگ گفت: «مراسل تعیین‌تکلیف این مسئولیت در جریان است و امیدواریم معرفی‌ها پیش از آغاز جشنواره‌ها به‌انجام برسد.» یکی از موضوعات مهم مورد توجه خبرنگاران، افزایش قیمت بلیت کنسرت‌ها و مشکلات اقتصاد در فضای موسیقی بود. صالحی در این زمینه توضیح داد طبق برنامه هفتم توسعه، دولت امکان مداخله مستقیم در قیمت‌گذاری ندارد، مگر در موارد خاص که به ستاد تنظیم بازار ارجاع شود. باین‌حال، او تأکید کرد هدف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی حفظ دسترسی عموم مردم به موسیقی است: «موسیقی هنری عمومی است و نباید محدود به طبقه خاص شود. هرچه موسیقی بیشتر در جامعه حضور داشته باشد، ماندگاری و اثرگذاری آن نیز بیشتر خواهد بود.» او افزود: «اگر موسیقی تنها به قشر محدودی عرضه شود، حتی اقتصاد موسیقی نیز آسیب خواهد دید و مخاطبان عمومی از دست خواهند رفت. هدف ما این است که آثار موسیقیایی بیشترین دسترسی و ارتباط با مردم (داشته باشند.)» صالحی در ادامه به همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد با سازمان صداوسیما در حوزه صوت و تصویر اشاره کرد و گفت: «در دولت سیزدهم توافق‌نامه‌ای میان وزارت فرهنگ و سازمان صداوسیما منعقد شد که مسیر آن از شورای عالی انقلاب فرهنگی عبور کرد. بخشی از این مصوبه نیازمند تدوین دستورالعمل اجرایی بود و آنچه امروز مطرح می‌شود، ادامه همان مصوبه و در امتداد توافق‌نامه است.» او یادآور شد حوزه صوت و تصویر یک مجموعه یکپارچه است و تفکیک یا بخش‌بندی آن امکان‌پذیر نیست و چالش‌ها و مسائل متعددی در این حوزه وجود دارد که باید مدیریت شود. او وزیر فرهنگ و ارشاد درباره جشنواره موسیقی فجر توضیح داد: «ستاد برگزاری جشنواره موسیقی فجر رویکرد تازه‌ای در پیش گرفته است و بازه زمانی برگزاری جشنواره امسال افزایش یافته است؛ به‌گونه‌ای که از ابتدای بهمن تا پایان ماه ادامه خواهد داشت.» او افزود این اقدام فرصتی تازه برای ارائه آثار موسیقیایی به مخاطبان فراهم می‌کند و امکان دیده شدن و شنیده شدن آثار هنرمندان را به‌شکل مؤثرتری فراهم می‌سازد. امهر

**چهره**

**«بهرام بیضایی»**

**در آمریکا به خاک سپرده می‌شود**

«بهرام بیضایی»، کارگردان و نویسنده نام‌آشنای تئاتر و سینمای ایران، پس از درگذشت در خارج از کشور در آمریکا به خاک سپرده می‌شود. این خبر را «مژده شمسایی»، همسر بیضایی و بازیگر تئاتر و سینما، در یادداشتی اعلام کرد و توضیح داد که پیکر او در ایران دفن نخواهد شد. شمسایی در یادداشت خود تأکید کرده است پیکر بیضایی نماد اندیشه‌ها و آثار اوست و یادآور شد تعدادی از فیلم‌ها و کتاب‌های او هنوز اجازه انتشار نیافته‌اند. او از دوستداران بیضایی خواست به‌جای تمرکز بر بازگرداندن جسد، پیگیری انتشار آثار مهم او مانند «جاناویلا دور»، «گزارش اردویراف»، «طرب‌نامه» و «داش‌آکل به‌گفته مرجان» و اجرای عمومی آثار نمایشی او، از جمله «غریبه و مه»، «چریکه تارا» و «مرگ بزرگ»، را در دستورکار قرار دهند. شمسایی همچنین پیشنهاد داد دوستداران بیضایی درختی به‌نام او بکارند تا نمادی از ایستادگی و سرسبزی او باشد؛ در مکان‌هایی مانند آرامگاه فردوسی، حافظیه، آران کاشان یا هر جای دیگری که قلب او به آن عشق می‌ورزید. او نوشت: «پیکر بی‌صدای بیضایی فقط مطلوب کسانی‌ست که مسبب خروج او از ایران بوده‌اند. بهرام بیضایی هر کجا باشد، آنجا ایران است.»



**ایجاد فضاهایی برای طبیعت در محیط‌های شهری، کیفیت زندگی و سلامت روان شهروندان را بهبود می‌بخشد و تجربه ارتباط با حیات‌وحش حتی در محیطی مانند لندن امکان‌پذیر است**

به‌گزارش گاردین، انثرو بینندگان را به موزه تاریخ طبیعی و پارک ریچموند می‌برد و اهمیت فضاهای سبز شهری را برای زندگی و سلامت انسان توضیح می‌دهد. او در مستند بر بازسازی حیات‌وحش و بازگرداندن گونه‌ها به شهرها تأکید می‌کند و با مشاهده سمورژی‌های اوراسیایی در تالاب‌ها، شگفتی خود را از حضور طبیعت در شهر بیان می‌کند. پیام اصلی مستند روشن است: «انسان‌ها و شهرها برای شاد و سالم بودن به طبیعت نیاز دارند و حفاظت و گسترش فضاهای سبز شهری ضروری است.» انثرو با آرامش و شور و کنجکاوی‌اش، نمونه‌ای از ارتباط عمیق انسان و طبیعت ارائه و نشان می‌دهد حتی حیوانات کوچک و معمولی مانند کبوترها یا حلزون‌ها می‌توانند الهام‌بخش و آموزنده باشند. او باور دارد ایجاد فضاهایی برای طبیعت در محیط‌های شهری، کیفیت زندگی و سلامت روان شهروندان را بهبود می‌بخشد و تجربه ارتباط با حیات‌وحش حتی در محیطی مانند لندن، امکان‌پذیر است. مستند «لندن وحشی» نشان می‌دهد هنر و علم طبیعت‌شناسی می‌توانند به هم پیوند بخورند و پیام حفاظت از محیط‌زیست و اهمیت تعامل انسان با طبیعت را منتقل کنند. خضرو انثرو، با تجربیات طولانی و عشقش به